

سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال تروریسم در پرتو اسناد بین المللی

علی کریمی فیروزجایی* / سیدحسین هاشمی** / حسن حاجی تبار فیروزجایی***

چکیده

با وجود اینکه پدیده تروریسم مسأله تازه‌ای نیست، اما تهدیداتی که امروزه از ناحیه این پدیده شوم متوجه جوامع مختلف است، ویژگی و حساسیت خاصی نسبت به سایر پدیده‌های حقوقی ایجاد کرده است. تهدیدات ناشی از اقدامات تروریستی، دیگر در چارچوب سرزمین معین نمی‌گنجد و به یک تهدید جهانی مبدل گشته است. با گسترش اقدامات تروریستی و بروز جلوه‌های نوین این پدیده در کشورهای مختلف و الزامی که متعاقب تأکید شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های متعدد صادره پس از حادثه ۱۱ سپتامبر برای اعضای جامعه بین‌المللی در جرم‌انگاری تروریسم و تأمین مالی آن ایجاد شد، موج جرم‌انگاری پدیده تروریسم در سال‌های اخیر بیش و کم در کشورهای متعددی بروز کرده است. به نظر می‌رسد در نظام حقوقی ایران، سازوکارهای لازم برای مبارزه موفق با تروریسم، کارآمد و به‌روز نیست؛ هرچند محاربه و افساد فی‌الارض و ... به‌عنوان مصداقی از عملیات تروریستی مورد حکم قانون گذار قرار گرفته‌اند، اما تنوع و پیچیدگی اعمال تروریستی، سازمان‌یافتگی و فراملی شدن تعداد قابل توجهی از آن‌ها و عدم پیش‌بینی پاسخ مناسب به مجموعه اعمال تروریستی، ضرورت بازنگری و جرم‌انگاری تروریسم را آشکار می‌سازد و مقنن می‌بایست با درک این مهم نسبت به تصویب قوانین کارآمد در مقابله با تروریسم در ابعاد مختلف، اقدام کند.

کلیدواژه‌ها

ترور؛ تروریسم؛ سیاست جنایی تقنینی؛ پیشگیری، اسناد بین‌المللی.

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

** دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، قم، ایران (نویسنده مسؤول).

*** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

مقدمه

تروریسم، مهم‌ترین و اساسی‌ترین چالش امنیتی دنیای جهانی شده ما در قرن بیست و یکم است. آن چیزی که تروریسم را به عنوان یک تهدید جدی مطرح می‌سازد، میزان تخریب، ارباب یا مسائل دیگر تروریسم نیست؛ بلکه نحوه پاسخ‌گویی و واکنش به تروریسم به عنوان یک تهدید مطرح می‌باشد. عدم تناسب و مطابقت استراتژی‌های طراحی‌شده نظامی برای مقابله و پاسخ‌گویی به تروریسم در این جایگاه، بسیار اساسی و حیاتی است. بر این اساس، اگر انطباق و سازگاری میان چالش و واکنش وجود نداشته باشد، فروپاشی تمدن از سوی تروریست‌ها حتمی و قطعی است و این مهم، ضرورت تدوین استراتژی جهانی مناسب و متناسب با توانایی و میزان اراده و انگیزه دولت‌ها و تروریست‌ها را توأمان مضاعف می‌نماید. باوجود تصویب کنوانسیون‌های متعدد تنبیهی و پیشگیرانه بین‌المللی در مقابله با تروریسم از سوی شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، وضعیت ناموفق کنونی مبارزه با تروریسم، بیانگر این واقعیت است که چارچوب سیاسی - حقوقی مبارزه با تروریسم، ناکارآمد بوده است. لازم به توضیح است که تروریسم دارای ابعاد گسترده‌ای هست که شامل تروریسم دولتی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و... است. امروزه شیوه‌های ارتکاب اعمال تروریستی متنوع و متحول شده است و کمتر ترور به شکل اقدامی فردی و بدون برنامه ریزی یا سازمان‌دهی شده، به وقوع می‌پیوندد.

پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر، موج حملات علیه اسلام و آموزه‌های آن در غرب شکل گرفته و این تهاجم گسترده غرب علیه اسلام، به گونه‌ای است که بر کمتر کسی پنهان مانده است. به بهانه مبارزه با تروریسم، آموزه‌ها و احکام متعالی اسلام مورد حمله شدید غربیان قرار گرفته و مسلمانان به عنوان چهره‌های تروریستی معرفی گردیده‌اند که درصد تثبیت حاکمیت خود به هر هزینه‌ای هستند، غافل از آنکه اسلام از همان زمان که پا به عرصه وجود گذاشت، مبارزه با تروریسم را در برنامه‌های خود گنجانده و در آن زمان، که خشونت حرف اول جهان را می‌زد، اسلام ارزشی والا برای جان، مال و آبروی انسان‌ها قائل بود. این جرم که در شکل سنتی آن با ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز برای ایجاد رعب و هراس در مردم جهت رسیدن به مقاصد موردنظر صورت می‌گیرد توسط تمامی کشورها امری مذموم شناخته‌شده و مرتکبین آن مستحق شدیدترین مجازات‌ها دانسته شده‌اند؛ اما در راستای رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، لازمه برخورد کیفری با مرتکبین این اعمال جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای آن

توسط قانون گذار می‌باشد؛ و تا زمانی که اشکال نوین اعمال مجرمانه توسط قانون گذار تعریف نشده، امکان مجازات بر مرتکبین این اعمال نیز وجود ندارد؛ و این از معایب اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که با شیوه‌های نوین ارتکاب جرم همگام نبوده و همیشه یک قدم عقب است. در چنین مواردی کشورها با استفاده از عناوین مجرمانه‌ی سنتی موجود در قوانین کیفری خود سعی در مقابله با مرتکبین این اعمال می‌نمایند و به کنکاش در عناوین کیفری جهت یافتن عنوان مشابه می‌پردازند. در ایران نیز عناوین مجرمانه‌ی متعددی وجود دارد که در مواردی به عنوان معادل این جرم پذیرفته شده و حتی عده‌ای معتقد به شباهت کامل این جرائم با یکدیگر می‌باشند (صدری، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

۱. تعریف تروریسم

اختلافات فراوان در ارائه تعریفی جامع از «تروریسم»، به گونه‌ای است که گویا هر یک از مطرح کنندگان این تعاریف از پدیده متفاوت و مستقلی سخن می‌گویند. برخی از نویسندگان این عرصه، تعاریف گوناگونی از تروریسم ارائه داده‌اند، اما جمع‌بندی این تعاریف را مشکل دانسته، عمدتاً از خود تعریف دیگری ذکر کرده‌اند (واعظی، ۱۳۸۰: ۲۷). در اینجا لازم می‌نماید به برخی از تعاریف موجود، که هر یک نکته خاصی را مورد نظر داشته‌اند، اشاره شود تا بتوان بر اساس این تعاریف، به نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها پی برد:

الف) برخی بر این اعتقادند که تروریسم یک ایدئولوژی نیست، بلکه یک فعالیت و عمل است (Weinberg and pedahzur, 2003: 3)، بدین معنا که تروریسم عملی است که مجموعه متنوعی از گروه‌ها و سازمان‌ها ممکن است همواره و یا در بخشی از زمان، با آن درگیر شوند و مرتکب اعمال تروریستی گردند. گاهی این عمل موقتی است، ولی گاهی استمرار می‌یابد، هرچند ممکن است اشکال متفاوتی به خود بگیرد. بنابراین، تروریسم یک رفتار خشونت آمیز سیاسی است.

ب) تروریسم عبارت است از: فعالیت‌های بازیگران دولتی یا غیردولتی که تلاش می‌کنند با استفاده از فنون خشونت‌آمیز، به اهداف سیاسی خود دست یابند (Jack C. Plano & Roy, Olton, 1988: 201).

ج) بر اساس تعریفی که از تروریست در المعجم الوسیط ارائه شده، آنان کسانی هستند که راه خشونت را برای تحقق اهداف سیاسی‌شان می‌پیمایند (انیس و دیگران، ۱۴۱۰: ۳۷۶).

د) تروریسم عبارت است از: بهره برداری سیاسی از خشونت به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن یک حکومت و یا جامعه به منظور پذیرش یک تغییر سیاسی یا اجتماعی اساسی (Robertson, 1993: 458).

ه) دیکشنری علوم سیاسی دو تعریف از تروریسم ارائه داده است. بر اساس یک تعریف، «تروریسم» پدیده‌ای است که در آن فعالیت‌های شدید خشونت‌آمیز همچون قتل عمدی، بمباران و پرتاب کردن از ساختمان توسط فرد یا گروهی به اجرا درمی‌آید که ادعا می‌کنند چنین اعمالی را به منظور بهبود وضعیت سیاسی انجام می‌دهند. بر اساس تعریف دیگر، «تروریسم» عبارت است از: دنبال کردن هدف سیاسی از طریق ابزارهای خشونت‌آمیز و تهدید (Satyendra, 2009: 674).

و) نوام چامسکی در تعریف «تروریسم» می‌نویسد: تروریسم کاربرد ابزار زورگویانه برای هدف قرار دادن مردم غیرنظامی در تلاش برای دست یابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا مانند آن است (هادویان، ۱۳۸۲: ۳۳).

ل) تروریسم عبارت است از: «فعالیت‌های عاملان دولتی یا غیردولتی که در کوشش‌هایشان برای دست‌یابی به اهداف سیاسی، از روش‌ها و وسایل خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند. شیوه‌های به کار برده شده از طرف تروریست‌ها عبارت‌اند از: هواپیماربایی، گروگان‌گیری، خراب‌کاری، بمب‌گذاری، بانک‌زنی، آدم‌ربایی سیاسی و آدمکشی.» (سی. پلینو و آلتون ۱۳۷۵: ۲۴۳).

حاصل آنکه «تروریسم» اصطلاحی است که اندیشمندان سیاسی و حکومت‌ها بر سر آن توافق ندارند، ولی تمام این تعاریف شیوه‌های گوناگونی است که با تعبیری منفی به کاررفته‌اند تا اعمال تهدیدآمیز به کار گرفته شده از سوی گروه‌های فرا دولتی خودجوش سیاسی را توصیف نمایند (McClean, 1996: 492).

اختلافی که در تعاریف «تروریسم» وجود دارد، ناشی از امور گوناگونی است که در ذیل، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. ضرب‌المثل معروفی وجود دارد که مطابق آن، یک شخص ممکن است از دید برخی تروریست به شمار آید، ولی از دیدگاه برخی دیگر، یک جنگجوی آزادی‌بخش. همین امر موجب شده است تا همچنان مشکل تعریف تروریسم باقی بماند و سازمان ملل متحد درصدد ارائه همایشی برآید که در آن، کشورهای جهان به تعریف مشترکی از تروریسم دست یابند. علاوه بر این، کسانی که در یک زمان، تروریست محسوب می‌شدند، در زمانی دیگر، در زمره دولت‌مردان و

سیاست مداران درآمده‌اند. مثلاً، مناخیم بگین، که از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۳ م نخست‌وزیر اسرائیل بود، پیش از آن، به عنوان یک تروریست مطرح بود که در اواخر دهه ۱۹۴۰ م در پی بیرون راندن بریتانیا از فلسطین بود (Satyendra, 2009: 674).

۲. جامعه‌شناسان سیاسی معتقدند: به دلیل تعارض وسیع میان ایدئولوژی‌ها یا اهداف سیاسی نمی‌توان به تعریف واحدی از «تروریسم» دست‌یافت.

۳. تنها یک نوع تروریسم نداریم، بلکه گونه‌های مختلفی از آن وجود دارد که اغلب، ویژگی‌های مشترک چندانی باهم ندارند. آنچه درباره یک‌گونه درست است، می‌تواند درباره گونه دیگر نادرست باشد. امروزه تروریسم تنوعی به مراتب بیش از ۳۰ سال پیش یافته است و بسیاری از گونه‌های آن، چنان متفاوت با گونه‌های گذشته و با یکدیگرند که واژه «تروریسم» دیگر با برخی از آن‌ها جور در نمی‌آید (جیمز دردریان و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۲).

از آنچه گذشت، می‌توان تعریف «تروریسم» در روابط بین‌الملل را چنین ترسیم کرد: «ایجاد خوف و وحشت به شیوه‌های غیرقانونی و غیرقابل پیش‌بینی به منظور تأثیرگذاری بر قدرت سیاسی.» البته علی‌رغم ارائه چنین تعریفی، اعتقاد بر این است که این تعریف نمی‌تواند مصادیق را به طور مشخص، از همدیگر متمایز سازد و این امر همچنان بر بحث تروریسم مشکل می‌نماید؛ بنابراین تعریف، مؤلفه‌های مهم تروریسم عبارت‌اند از:

الف) ایجاد خوف و وحشت؛

ب) قابل پیش‌بینی نبودن؛

ج) قانونی نبودن؛

د) دارا بودن هدف سیاسی.

با توجه به گستردگی و ابعاد خطرناکی که تروریسم علیه امنیت کشور و امنیت مردم می‌تواند ایجاد نماید، به عنوان یکی از جرائم مهم می‌بایست به آن پرداخته شود و قانون‌گذار مصادیق آن را مشخص نماید تا امکان مقابله و پیش‌گیری در این خصوص فراهم شود. واژه «تروریسم» در ترمینولوژی حقوق این‌گونه تعریف شده است: «کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف و طبقات معین و یا همه مردم کشور را تروریسم گویند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۱۳). برخی در تعریف تروریسم چنین بیان داشته‌اند: «تروریسم نام جرم خاصی نیست ولی به هر نوع رفتار فردی یا گروهی اطلاق می‌شود که هدف آن ایجاد اختلال مهم و جدی در نظم عمومی با ایجاد ترس و وحشت برای نیل به

درخواست های سیاسی، مالی، ملی، مذهبی، آزادی و غیره با ایجاد ناامنی و ترس در مردم است» (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۲۸۱).

در یک تعریف دیگر، تروریسم گونه‌ای از خشونت است که توأم با استفاده سیستماتیک یا تهدید به توسل به قتل، جرح و خرابکاری برای تهدید یا ترساندن گروه موردنظر که وسیع تر از قربانیان آنی جرم می‌باشند و یا به منظور ایجاد جوّ رعب و هراس صورت می‌گیرد. (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۵: ۳۲۶) تروریسم، به اعمال ترور به صورتی منظم و سازمان‌یافته با خشونت و کشتار بی حساب نیز تعریف شده است (بیرو، ۱۳۸۰: ۴۲۶).

التهایه در حقوق کنونی ایران در بند «الف» ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴، «اعمال تروریستی» ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت آمیز از قبیل قتل، سوءقصد، اقدام خشونت آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید، ربودن، توقیف غیرقانونی و گروگان گیری اشخاص و یا اقدام خشونت آمیز آگاهانه علیه افراد دارای مصونیت قانونی یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آن‌ها به قصد تأثیرگذاری بر خط‌مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران دانسته شده است. همچنین در بندهای دیگر ماده فوق‌الذکر، تفصیلاً به مواردی از جرائم تروریستی اشاره گردیده است.

۲. سابقه تاریخی پدیده تروریسم در ایران و جهان

تروریسم از کلمه‌ی «ترور» به معنای احساس شدید وحشت گرفته شده است. ریشه اصطلاح ترور به این معنا مربوط به دوران بعد از انقلاب فرانسه، یعنی بین سال‌های ۱۷۹۲ و ۱۷۹۴، مشهور به دوران «ترور» است (سواری، ۱۳۸۲: ۳۳۴). مراد از تروریسم رژیم‌ی است که از سپتامبر ۱۷۹۳ تا ژوئیه ۱۷۹۴ به منظور قلع و قمع دشمنان انقلاب بر فرانسه حاکم بود و دشمنان انقلاب، بعدها علیه انقلابیون به ترور دست یازیدند و اصطلاح «ترور سفید» را به فرهنگ نامه افزودند (شریعت باقری، ۱۳۸۵: ۱۷۷). در تاریخ ایران و شرق اسلامی، فرقه‌ای که از ترور به صورت یک روش دائمی استفاده کرده، اسماعیلیان نزاری یا پیروان حسن صباح هستند که ترور گری‌های آنان چنان و حتی در دل همگان، از جمله مسیحیان صلیبی، وحشت افکنده بود که هنوز در زبان‌های اروپایی به نام «اساسین» یعنی قاتل معروف‌اند (آشوری، ۱۳۸۶: ۹۹). در سطح بین‌الملل اصطلاح «تروریسم» برای اولین بار در جریان سومین کنفرانس بین‌المللی

حقوق جزا در بروکسل در سال ۱۹۳۰ به کار رفت. خشونت پدیده ای است که بشر در سراسر تاریخ زندگی خود با آن مواجه بوده است. تروریسم به عنوان وجهی از خشونت هم در تاریخ کشورهای غربی و هم در کشورهای شرقی، مدام اتفاق افتاده است در تاریخ می توان سراغ گرفت که ترورهایی به صورت سازمان یافته علیه دشمنان سیاسی صورت گرفته است. «اصولاً تاریخ روم ملامال از دسیسه چینی برای از میان برداشتن رقبای سیاسی و چهره های برجسته سیاسی و اجتماعی است که بیشتر از آبخور جاه طلبی و کینه جویی سیراب شده. است» (طیب، ۱۳۸۲: ۱۹). این وضعیت تا به امروز نه تنها کمتر نشده است بلکه حتی به سمت تئوریزه شدن هم رفته است به طوری که «آنارشویست های پایان سده نوزدهم اروپا برای توصیف حملات خونین خود از کاربرد عبارت «تبلیغ عملی» ابایی نداشتند.» (بورینه، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

در کشورهای شرقی از جمله ایران نیز سوء قصد علیه قدرتمندان، تاریخچه طولانی و غم انگیزی دارد. این پدیده در امپراتوری های ایران باستان به کرار اتفاق افتاده است. خسرو پرویز، پادشاه ساسانی به دست درباریان کشته شد. آوازه جنبش فرقه اسماعیلیان به رهبری حسن صباح در طرح ریزی و انجام ترورهای سازمان یافته چنان بلند بوده است که غربیان نه تنها در گذشته بلکه امروز هم شیفته و علاقه مند به آنان هستند «چراکه برخی از ویژگی های این جنبش یادآور جنبش های تروریستی معاصر است.» (طیب، ۱۳۸۲: ۱۹). حتی واژه انگلیسی "Assasination" در غرب که به معنای «آدمکشی» است از واژه «حشاشین» - به معنای کسانی است که نسبت به خاصیت گیاهان به خوبی آگاه بودند؛ به عبارت دیگر، عطار بودند و در مداوای افراد از آن استفاده می کردند. در نتیجه مفهوم حشاشین هرگز به معنای حشیش خوران نبوده است - که صفت اسماعیلیان بوده، گرفته شده است. حشاشین، خواجه نظام الملک طوسی، وزیر سلجوقیان را ترور کردند. در دوره های بعدی تاریخ ایران، پادشاهانی همچون نادرشاه افشار در فتح آباد قوچان در ۱۱۶۰ قمری و آغامحمدخان قاجار در ۱۲۱۲ در شوشی ترور شدند. در دوران معاصر، ناصرالدین شاه توسط میرزا رضای کرمانی ترور شد. به هر حال، تروریسم در دوران معاصر نیز تا بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در ایران کراراً اتفاق افتاد. بعد از انقلاب ۵۷ نیز قتل های زنجیره ای به عنوان نماد تروریسم در ایران به زندگی بسیاری از افراد پایان داد. تصویب قطعنامه محکومیت هرگونه تروریسم و گروگان گیری از سوی شورای امنیت سازمان ملل با اکثریت قاطع

آرا و انزجار افکار عمومی از این پدیده و تلاش کشورها در زدودن اتهام تروریست از خود همه تجلی این اجماع بین‌المللی است؛ اما نکته عجیب در این میان آن است که به‌رغم چنین اجماعی، آنگاه که بحث مفهوم بندی، تعیین اقدامات تروریستی، تشخیص مصادیق و اتخاذ اقدامات عملی و قانونی و تدابیر تنبیهی برای مبارزه با تروریسم به میان می‌آید، مناقشات و مباحثی آغاز می‌شود که تا به امروز به هیچ تفاهمی حتی در کلیات منجر نگردیده است. این تشتت آراء بیش از آنکه ناشی از دشواری مفاهیم و مصادیق باشد، نتیجه دخالت الزامات منافع ملی در تعاریف مورد قبول کشورهاست، یعنی هر گروهی می‌کوشد تعریفی از تروریسم ارائه دهد که متضمن منافع خود و مخدوش نمودن چهره رقیبان و مخالفان نزد افکار عمومی و سایر کشورها شود (محتشمی، ۱۳۷۸: ۱۱).

پس از ظهور دولت‌های توتالیتر در دهه ۱۹۳۰ تروریسم اغلب به اقدامات این دولت‌ها اطلاق می‌شد، اما در دهه ۱۹۵۰ بار دیگر این واژه اغلب منحصرأ به شورشیان تعلق گرفت. تروریسم دولتی نیز توجهات را تا حدی به خود معطوف داشت. علی‌رغم این تعریف ابتدایی تقریباً روشن که بر اهداف و روش‌ها تأکید می‌ورزد، تعریف تروریسم در سال‌های اخیر به‌عنوان موضوعی جدی در آمده است. شرایط بسیاری در این درهم آمیختگی دخالت دارند. یکی اینکه اشکال بسیار متنوعی از تروریسم وجود دارد. مهم‌تر از آن اینکه تجربه ترور چنان باعث برداشت‌های سوء و مسؤولیت‌های سیاسی شده که اکنون هیچ‌کس خود را تروریست نمی‌داند. پیش‌ازاین تروریست‌ها با مباحثات خود را تروریست می‌خواندند، اما آخرین گروهی که خود را چنین وصف کرد «لهی»^۱ (استرن گانگ) از فعالان ایجاد دولت غاصب اسرائیل در دهه ۱۹۴۰ بودند. پس‌از آن شورشیان دائماً دشمنان خود یعنی حکومت‌هایی که با آن‌ها مخالف بودند را با این عنوان می‌خواندند و این عنوان گاهی عنصری از حقیقت را در خود داشت چراکه در هر مبارزه‌ای، مبارزان از تاکتیک‌های مشابه بهره می‌جویند.

بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم تروریست‌هایی که برای کسب استقلال در مقابل یک قدرت استعمارگر مبارزه می‌کردند اغلب، حتی در غرب به مبارزان آزادی معروف شدند. پس‌از آن در گفتمان عمومی کشورهای جهان سوم و کمونیستی این دو واژه منحصراً این معنا را یافت که در عمل فرقی نمی‌کند که شورشیان چه روشی را اتخاذ کنند، ولی همین که در مقابل نفوذ غرب بجنگند دیگر نمی‌توان آن‌ها را تروریست خواند، چراکه این

1. Lehi

موضوعی بود که به شدت مانع همکاری بین‌المللی در خصوص این مسأله شد. تعاریف قابل اعتماد و کارآمد معاصر، به ابزار نه اهداف به عنوان معیار تشخیص و تمیز تروریسم تأکید می‌نمایند. تفاوت عمده میان تعاریف این است که برخی از آن‌ها ترور را شکل خاصی از خشونت می‌شمارند، حال آنکه دیگران این تفاوت‌ها را به حداقل می‌رسانند. در تعریف مطلب اول گفته شده است: ترور، خشونتی غیرعادی است که از قواعد رسمی حاکم بر اجبار به‌ویژه، رد تمایز میان مبارزان، غیر مبارزان، گناهکاران و بی‌گناهان پا فراتر نهاده است. هدف در ترور شخص قربانی نیست، بلکه تمامی مردم هستند. این تعریف با مفهومی که تروریست‌های اولیه از خود داشتند مطابق بوده و شیوه مناسبی برای ارتباط دادن اشکال مختلف به یکدیگر را در اختیار می‌گذارد و امکان پیش‌بینی فعالیت‌های تروریستی را فراهم می‌کند. ایراد آن در این است که ارائه معنای دقیق برای مفهوم غیرعادی، مشکل به نظر می‌رسد. در منظر دوم که دیدگاهی کمتر رضایت‌بخش است، تروریسم مترداف تمامی اشکال خشونت‌های شورشی و غیرقانونی دانسته شده است که در نتیجه اشخاصی چون جرج واشنگتن و رابرت لی نیز به عنوان تروریست معرفی می‌شوند (راپرپوت، ۱۳۷۸: ۱۳۴).

۳. مبانی نظری جرم‌انگاری تروریسم

هر تعریفی که از تروریسم داشته باشیم و علل و ریشه‌های این پدیده را هر چه بدانیم، تردیدی در این واقعیت نیست که تروریسم تعرض به اصلی‌ترین حقوق انسانی، یعنی حیات و امنیت انسان محسوب می‌شود. زیرا آنچه هدف حملات تروریستی قرار می‌گیرد، مهم‌ترین ارزش‌های جامعه انسانی از جمله جان افراد بی‌گناه است و ضرورت برقراری امنیت اجتماعی و حفظ جان اشخاص از طبیعی‌ترین انتظاراتی است که اعضای جامعه از متولیان جامعه خود دارند. بنابراین جرم‌انگاری رفتارهایی که پاسخی مناسب به احساس نیاز به برقراری عدالت و امنیت غالب شهروندان باشد، کاملاً قابل توجیه است (محمودی جانکی، ۱۳۷۶: ۱۷۷). توسعه ابعاد و گستره اقدامات تروریستی و صدمات جانی و مالی ناشی از آن باعث شده است که بسیاری از کشورها برای مقابله با آن، قوانین ویژه‌ای در جهت تشدید مجازات و تسریع دادرسی و تقویت دستگاه‌های امنیتی و پلیسی به تصویب برسانند. در روند این اقدامات، که با مستمسک قرار دادن مبارزه با تروریسم صورت می‌پذیرد نباید موارد مکرر نقض حقوق بشر را

از نظر دور داشت. در این قسمت مبانی نظری جرم انگاری تروریسم را به عنوان یک رفتار توأم با خشونت، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۱. حق حیات

مهم‌ترین اصل حقوق فطری و طبیعی انسان، حق حیات است. بدین معنی که افراد بشر پیش از آنکه قوانین موضوعه، حقوقی را برای آنان ثابت کند، دارای حق حیات هستند و هر قانون موضوعه‌ای باید از حق حیات انسان دفاع کند و امنیت لازم را در همه زمینه‌ها برای او تأمین کند. حق حیات پایه و اساس تمام حقوق انسانی به شمار می‌رود، زیرا همه حقوق، قائم به وجود خود انسان است و بدون آن هیچ حقی برای شخص معنا و مفهومی ندارد. ظاهراً حق حیات در تمام مکاتب حقوقی مورد قبول قرار گرفته است و همگان بر این عقیده هستند؛ تا زمانی که فرد، مزاحم حیات اجتماعی دیگران نباشد، باید از حمایت قانون برخوردار باشد (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۴: ۳۰۷).

بدون شک مکتب اسلام، اهمیت خاصی برای حق حیات انسان قائل است و آن را در رأس همه حقوق قرار می‌دهد و اعتقاد دارد تا زمانی که این حق برای افراد یک جامعه تأمین نگردد، بحث درباره سایر حقوق بی‌فایده است. در منابع حقوق اسلامی، از جمله آیات قرآن، قتل و کشتار انسان‌ها به شدت مذمت شده است (ر.ک: آیات ۹۲ و ۹۳ سوره نساء و آیه ۱۵۱ انعام و ۳۳ سوره اسراء)، به طوری که کشتن یک انسان را برابر با کشتن همه انسان‌ها می‌داند و پاداش کسی که فردی را زنده کند یا از خطر نجات دهد، همانند حفظ جان همه انسان‌ها می‌داند (مائده: ۳۲). البته باید توجه داشت که حق حیات، مطلق نیست و همه طرفداران حقوق بشر نیز به این نکته اذعان دارند. حق حیات برای انسان تا آنجا محترم است که حیات انسان دیگری را به خطر نیندازد. در حالی که برخی حقوق حمایت‌شده دیگر در اسناد بین‌المللی، مثل حق عدم شکنجه یا سوء رفتار و حق عدم بردگی مطلق هستند و استثناء بردار نیستند.

در نظام حقوقی اسلام، حق حیات و تأمین امنیت و حفظ جان انسان‌ها، قبل از هر چیزی مورد توجه است. اعلامیه جهانی حقوق بشر هم اشعار می‌دارد: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد» (ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر). در بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر شده است: «حق حیات از حقوق ذاتی انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد». ماده (۱) ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ضمن اعلام وجود این حق و منع کشتن

عمدی افراد، اضافه می‌نماید که بایستی این حق توسط قانون حمایت گردد. هم‌چنین ماده (۱) ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده (۱) ۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل؛ سلب خودسرانه حیات منع شده است؛ اما در این خصوص ماده ۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره) با توضیح بیشتری اشعار می‌دارد:

۱. زندگی موهبت و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ‌کسی بدون مجوز شرعی.

۲. استفاده از وسیله‌ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به‌طور کلی و یا جزئی گردد، ممنوع است.

۳. پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هرجایی که خداوند مشیت نماید، وظیفه‌ای شرعی می‌باشد.

۴. حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی‌احترامی به آن جایز نیست. کما اینکه لمس کردن جز با مجوز شرعی جایز نیست. حمایت از این امر بر عهده دولت‌هاست.

به تصریح میثاق حقوق مدنی و سیاسی دولت‌ها مکلف‌اند تمهیداتی را در جهت پاسداری از حق حیات تمام شهروندان فراهم کنند. به‌ضمیمه اصل عدم تبعیض که در ماده ۲ میثاق مورد تأکید قرار گرفته است، دولت‌ها مکلف‌اند از حق حیات تمام شهروندان به‌صورت برابر و بدون کوچک‌ترین تبعیض از حیث نژاد، رنگ، تابعیت، مذهب، جنسیت و سایر تعلقات عرضی افراد پاسداری و حمایت کنند. هرگونه تبعیض و نابرابری در مقررات و یا سیاست‌گذاری‌های کلان در جهت تبعیض بین شهروندان در پاسداری از حیات آنان، افزون بر نقض حق برخورداری از حمایت برابر مصرح در ماده ۲، نقض حق بنیادین حیات به‌شمار می‌رود.

فلسفه وجودی قوانین کیفری، آن است که نتوان فردی را خودسرانه و بدون مجوز شرعی و قانونی از نعمت زندگی محروم کرد. بنابراین باوجود این مبانی محکم در خصوص لزوم حمایت از حق حیات، کلیه دولت‌ها از جمله دولت ایران، نه تنها ملزم به احترام به حق زندگی افراد و اتباع خود هستند باید به‌منظور صیانت و حمایت از جان آن‌ها و جلوگیری از جرائم و تبهکاری‌ها و تأمین نظم و امنیت با جرم‌انگاری هرگونه رفتاری که به حیات انسان‌های بی‌گناه لطمه می‌زند، از جمله اقدامات تروریستی را به‌عنوان جرمی شدید مورد توجه قرار دهند.

۳-۲. حق کرامت انسانی

انسان بالاتر از حق حیات، حق کرامت دارد و خداوند متعال او را تکریم فرموده و برتری داده است. کرامت به معنای پاک بودن از آلودگی و برخورداری از عزت و شرف و کمال مخصوص به آن موجود که کرامت به آن نسبت داده می‌شود، است (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۸۰). اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق کرامت و حیثیت بشری را به عنوان یک حق اساسی مورد تأکید قرار داده است و همه انسان‌ها را مکلف به رعایت آن می‌داند. امروزه این مطلب مورد پذیرش قرار گرفته است که حقوق بشر تجلی بارز کرامت انسان است و تکلیف دولت‌ها به تضمین رعایت آن ناشی از شناخت همین کرامتی است که قبلاً منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر آن را اعلام نموده‌اند.

در دین اسلام، انسان دارای مقام و ارزش والایی است و خداوند سروری موجودات زمینی و آسمان را برای او فراهم ساخته است. روح خدا در آدم دمیده شده و او شایسته تکریم و تعظیم گردیده و حتی فرشتگان مأمور شده‌اند که بر او سجده کنند. انسان در نظر اسلام دارای مقام خلیفه‌الله است. کرامت در قرآن عطیه‌ای مقدس است که از سوی خداوند به بشر داده شده است. به دیگر سخن، انسان این‌گونه آفریده شده و بنابراین سلب این معنی از او امکان عقلی ندارد و یا می‌توان گفت سلب کرامت از انسان به معنای آن است که انسان، نانسان گردد (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۱۶).

آیات و روایات متعددی بر این کرامت دلالت می‌کند. آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: ما به تحقیق فرزندان آدم را تکریم نمودیم و آنان را در خشکی و در دریا به حرکت درآوریم و از مواد پاکیزه بر آنان روزی مقرر ساختیم و آنان را بر بسیاری از موجوداتی که آفریدیم برتری دادیم. از این آیه شریفه استفاده می‌شود که افراد انسانی به اضافه حق حیات و تکلیف دیگران به مراعات آن، دارای حق کرامت ذاتی می‌باشند که دیگران مکلف به مراعات این حق هستند. همان‌گونه که مکلف به مراعات حق حیات یکدیگر هستند.

در مقدمه منشور و بند ۳ ماده ۱ آن یکی از اهداف مهم تشکیل سازمان ملل متحد، حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی انسان‌ها از طریق تضمین احترام به کرامت بشری و ارزش شخصیت انسانی شناخته شده است. کرامت ذاتی انسان در اعلامیه جهانی حقوق بشر هم مورد تأکید قرار گرفته است. در مقدمه این اعلامیه آمده است: «شناسایی کرامت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل

می‌دهد. مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده‌اند...».

در مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده است که شناسایی کرامت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است. حقوق مذکور ناشی از کرامت ذاتی انسان است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موارد متعددی در مورد کرامت و حیثیت انسانی افراد بشر مقرراتی را پیش‌بینی کرده است. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

به موجب بند ششم از اصل دوم قانون اساسی «ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا» یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است.

بر اساس قانون اساسی ایران؛ همه مردم از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردار بوده و یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردار هستند (اصول ۱۹ و ۲۰ ق.ا.ج.ا.ا.). حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است (اصل ۳۲ ق.ا.ج.ا.ا.).

یکی از وظایف حقوق کیفری، حمایت از حقوق بنیادین و کرامت بشری است این حمایت در حقوق جزای ماهوی از طریق جرم‌انگاری اعمالی که با کرامت ذاتی فرد و اجتماع مغایرت دارد صورت می‌گیرد. تروریسم کرامت انسانی و نتیجه اجتماعی آن یعنی حق حیات انسان را نادیده می‌انگارد. لذا حقوق کیفری باید این رفتار را جرم بشناسد.

۳-۳. حق برخورداری از صلح و امنیت

با وجودی که انسان‌ها از نظر روحیات متفاوت و دارای سلیقه‌ها و تمایلات گوناگون هستند، نیازهای بسیار مشترکی دارند و به خاطر همین نیازهای مشترک و جلوگیری از آسیب‌های جامعه، کنار هم جمع شده‌اند و با ایجاد اجتماعات انسانی به دنبال صلح و آرامش و امنیت با یکدیگر هستند. آزادی فردی و آزادی‌های جمعی با حصول سازش، زمینه تفاهم جمعی را تقویت می‌بخشد و به اهداف عالی جامعه یعنی اخلاق، وجدان، نظم، عدالت و امنیت می‌رسد (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۱۵۹).

حق صلح از حق حیات تفکیک‌ناپذیر است. بنابراین همه اعتبار و ارزش حق حیات را می‌توان به حق صلح تسری داد. از آنجاکه جنگ و ناامنی اثر مستقیم بر حیات انسان‌ها و تداوم آن دارد مسأله امنیت بین‌المللی و صلح با دوام نمی‌تواند صرفاً به عنوان مشغله حکومت‌ها در نظر

گرفته شود. افراد و ملت نیز بدان علاقه مندند. بنابراین حق صلح ماهیت و خصوصیتی دوگانه دارد. یعنی یک حق فردی و درعین حال جمعی است (شایگان و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۴). از منظر حقوق بین الملل، صلح و امنیت واژه‌هایی هستند که بی‌ثباتی آن‌ها اثرات سوئی در امنیت سایر کشورها می‌گذارد. امروزه نقض حقوق بشر در زمره جنایات علیه صلح و امنیت بشر تلقی می‌شود و دولت‌ها نمی‌توانند در این زمینه بر حق حاکمیت مطلق خود تکیه و اصرار ورزند (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۱۶۱ - ۱۶۰).

خداوند در خصوص صلح با مخالفان اشاره فرموده است که اگر کافران از شما کناره‌گیری کردند و با شما پیکار ننمودند، بلکه پیشنهاد صلح دادند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید (نسا: ۹۰). در باب اهمیت و جایگاه امنیت در اسلام همین نکته بس که در روایات متعددی امنیت، در زمره یکی از دو نعمتی قرار گرفته است که انسان قدر آن را نمی‌داند مگر این‌که به مصیبتی گرفتار شود (عطاردی قوچانی، ۱۴۱۳: ۱۲۰).

امام علی (ع) تأمین امنیت در جامعه را از انگیزه‌های قیام صالحین و اهداف عالی‌ه امام می‌داند: «خدایا تو می‌دانی آنچه از ما رفت نه به خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز خواستن ز یادت، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین را به جایی که بود، بنشانیم و اصلاح را در شهرهایت ظاهر گردانیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده‌ات اجرا گردد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۴: ۱۲۹).

استقرار و حفظ صلح و امنیت در هر جامعه امری مطلوب تلقی و زمینه‌های رشد و تعالی جوامع را فراهم می‌کند. امروزه که بحث جهانی‌سازی و ارتباطات تنگاتنگ ملل مختلف با فرهنگ‌های متفاوت در ابعاد گوناگون به وجود آمده و هرروز جلوه‌های تازه پیدا می‌کند، رسیدن به صلح و امنیت، تنها در پرتو همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان و تمدن‌های مختلف محقق خواهد شد. در جوامع امروزی مردم دارای تنوع عقیده و فکر و حتی ادیان مختلف هستند برای برقراری و حفظ صلح، مدارا کردن و تحمل در اسناد بین المللی و متون دینی از جمله قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. کشورهای عضو سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) در اعلامیه اصول مدارا که در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۵ صادر کردند، ضمن یادآوری اصولی از اسناد بین المللی از جمله؛ منشور سازمان ملل متحد، منشور یونسکو، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... با ابراز نگرانی از رشد جاری کنش‌های ناشکیبایی، خشونت، تروریسم،

بیگانه‌ستیزی، ملیت‌گرایی تجاوزگرانه، نژادپرستی، یهودی‌ستیزی، محروم‌سازی دیگران، به حاشیه راندن و تبعیض‌نشانه‌گیری شده علیه اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی، پناهندگان، کارگران مهاجر، مهاجران و گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه، هم‌چنین کنش‌های خشونت و هراساندن که علیه افرادی که آزادی عقیده و بیان را بکار می‌گیرند، که همه این‌ها تحکیم صلح و دموکراسی را در سطح ملی و بین‌المللی تهدید کرده و موانع توسعه هستند، در ادامه این اعلامیه، مدارا به‌عنوان ضرورتی برای صلح و برای رشد اقتصادی و اجتماعی همه مردمان شناخته شده است (اعلامیه اصول مدارا؛ نقل از نشریه خبری سیاسی الکترونیک ایران امروز).

با مبانی مستحکمی که در حقوق اسلامی نسبت به ضرورت حفظ مهم‌ترین ارزش‌های حاکم بر حقوق بنیادین بشر وجود دارد و از طرفی، یکی از ویژگی‌های اصلی تروریسم، خشونت‌آمیز بودن رفتار مرتکب است که حیات، امنیت و آسایش انسان‌ها را به مخاطره می‌اندازد و موضع حقوق اسلامی را در خصوص خشونت ابراز داشتیم؛ نتیجه‌گیری در خصوص حرمت یا محکومیت اعمال تروریستی در حقوق اسلامی، امری نیست که نیاز به استدلال و آوردن دلایل مستقلى برای آن باشد.

۴. بررسی تروریسم در اسناد بین‌المللی

در دهه‌های اخیر، شمار زیادی اسناد حقوقی درباره تروریسم تنظیم و تصویب شده که در کنار هم، حقوق بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم محسوب می‌گردند. اینک بیش از ۱۴ عهدنامه بین‌المللی و دو پروتکل درباره انواع جرائم بین‌المللی، که جرائم تروریستی شایع هستند وجود دارد و هر کدام از این اسناد، مشتمل بر فهرست یا توصیفی عینی از جرائم ممنوعه است و اقدامات مشخصی را برای سرکوب یا مجازات آن‌ها مقرر داشته است. این اسناد را به سه دسته ذیل می‌توان تقسیم کرد:

۴-۱. اقدام بر ضد وسایل معین حمل‌ونقل یا تسهیلات خاص

هواپیماربایی، حمله مسلحانه به فرودگاه‌های بین‌المللی، تصرف کشتی‌های غیرنظامی با زور و... از اقدامات تروریستی شایع بین‌الملل است. به همین خاطر، با حمایت ایکائو، چهار کنوانسیون چندجانبه تهیه و تصویب شده است که به ترتیب، اعمال غیرقانونی ارتكابی در هواپیما، تصرف غیرقانونی هواپیما و اقدامات مجرمانه بر ضد امنیت

هوایماهای غیرنظامی و در فرودگاه‌های بین‌المللی را پوشش می‌دهد. دو سند دیگر هم که یکی به اعمال تروریستی بر ضد دریانوردی تجاری و دیگری به اقدامات تروریستی بر ضد سکوهای ثابت مستقر در فلات قاره مربوط می‌شود، با حمایت سازمان بین‌المللی دریایی منعقد شده است.

یک کنوانسیون راجع به جرائم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هوایما: این عهدنامه از ۴ دسامبر ۱۹۶۹ لازم‌الاجرا شد و تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ تعداد ۱۵۹ دولت آن را تصویب کرده یا به آن ملحق شده بودند. این کنوانسیون که در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ در توکیو امضا شد (کنوانسیون توکیو)، اولین سند چندجانبه حقوقی بود که به معضل روبه رشد هوایماربایی پرداخت. هدف اصلی این کنوانسیون، ایجاد صلاحیت اولیه و اصلی برای دولت محل ثبت هوایما در خصوص جرائم ارتكابی در هوایمای غیرنظامی در حال پرواز در سرزمین خود یا بر فراز دریای آزاد یا در هر منطقه ای خارج از سرزمین دولت محل ثبت می‌باشد (مواد ۱ و ۳) (افخم، ۱۳۸۸: ۶۸). گرچه این کنوانسیون، هیچ تعریف یا فهرستی از جرائم خاص یا اعمالی که باید سرکوب شود ارائه نمی‌کند، اما ماده ۱۱ آن، به نوع خاصی از تروریسم یعنی راهزنی هوایی پرداخته است.

دو کنوانسیون جلوگیری از تصرف غیرقانونی هوایما: این کنوانسیون از ۴ اکتبر ۱۹۷۱ قابلیت اجرائی یافت و تا ۲ نوامبر ۱۹۹۶ تعداد ۱۵۹ دولت به عضویت آن درآمدند. این کنوانسیون که در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ در لاهه امضا شد (کنوانسیون لاهه)، در صدد تقویت سیستم همکاری بین‌المللی ایجادشده به وسیله کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو می‌باشد. این هدف، با تعریف جرم هوایماربایی (ماده ۱)، الزام کشورهای عضو به وضع «مجازات‌های شدید» برای جرم مذکور در قوانین ملی خود (ماده ۲) و الزام دولت عضو که مجرم ادعایی در سرزمین آن یافت شده، به استرداد او به یکی از دولت‌هایی که با آن جرم در ارتباط است یا ارجاع موضوع به مقامات ذیصلاح برای پیگرد قانونی (اصل استرداد یا محاکمه؛ ماده ۷) برآورده می‌شود.

سه کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی بر ضد امنیت هوایمایی کشوری: این عهدنامه در ۲۶ ژانویه ۱۹۷۳ لازم‌الاجرا شد و ۱۶۰ دولت تا ۴۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمدند. این سند که در ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در مونترال امضا شد (کنوانسیون مونترال)، رژیم

کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه در خصوص مبارزه با هواپیماربایی را با پرداختن به دیگر انواع اقدامات خشونت‌بار بر ضد هواپیمایی کشوری تکمیل می‌کند. چهار پروتکل مقابله با اعمال خشونت‌بار غیرقانونی در فرودگاه‌های مورد استفاده هوانوردی بین‌المللی غیرنظامی: این پروتکل در ۶ اوت ۱۹۸۹ لازم‌الاجرا شد و تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ تعداد ۶۷ دولت عضو آن بودند. تهیه و تنظیم این پروتکل که در ۲۴ فوریه ۱۹۸۸ در مونترال به امضا رسید (پروتکل مونترال) مستقیماً با بمب‌گذاری‌های انجام‌شده در فرودگاه‌های فرانکفورت و توکیو در ژوئن ۱۹۸۵ و حملات تروریستی در فرودگاه‌های رم و وین، در دسامبر همان سال در ارتباط بود.

پنج کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی دریانوردی: این عهدنامه در اول مارس ۱۹۹۲ لازم‌الاجرا شد و ۳۳ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمدند. در واکنش به حمله تروریستی به مسافران یک کشتی مسافرتی که در اکتبر ۱۹۸۵ در دریای مدیترانه حرکت می‌کرد (ماجرای آ کیله لایرو) سازمان بین‌المللی دریانوردی، این کنوانسیون را در ۱۹ مارس ۱۹۸۸ در رم تهیه کرد. این کنوانسیون، ناظر بر کشتی‌هایی غیر از کشتی جنگی یا دولتی است که از داخل آب‌های ورای مرز خارجی دریای سرزمینی یک دولت یا محدوده کناری دریای سرزمینی آن با دولت‌های مجاور حرکت می‌کنند یا از این آب‌ها عبور می‌کنند (ماده ۴).

شش پروتکل مقابله با اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوهاى ثابت واقع در فلات قاره: این پروتکل در اول مارس ۱۹۹۲ لازم‌الاجرا شد و ۳۳ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمدند. این سند در ۱۰ مارس ۱۹۸۸ در رم به امضا رسید. طبق ماده ۲ این پروتکل، هر شخصی که به صورتی غیرقانونی و عمدی، اقدامات زیر را انجام دهد، مرتکب جرم شده است: با زور یا تهدید به زور یا هر نوع دیگری از ارعاب، سکوی ثابت را تصرف یا بر آن اعمال کنترل نماید؛ عمل خشونت‌آمیزی بر ضد شخص حاضر در سکوی ثابت انجام دهد که احتمالاً ایمنی آن شخص را به مخاطره افکند؛ سکوی ثابت را منهدم کند یا باعث وارد آمدن خسارتی به آن شود که به مخاطره افتادن ایمنی آن سکو را محتمل سازد؛ به هر طریقی شیء یا ماده‌ای در سکوی ثابت قرار دهد یا باعث قرار گرفتن آن شود که احتمال برود آن سکوی ثابت را منهدم نماید یا احتمالاً باعث به مخاطره افتادن ایمنی آن شود؛ یا در ارتباط با

ارتکاب یا شروع به ارتکاب هر یک از جرائم یادشده، شخص را مجروح سازد یا به قتل برساند (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

۴-۲. اقدام بر ضد گروه‌های خاص

سران دولت یا حکومت و مأموران دیپلماتیک، آماج دلخواه تروریسم بین‌الملل بوده‌اند. تأثیرات این‌گونه حملات تروریستی، به‌ویژه از آن‌رو شدید است که نه فقط ایمنی این اشخاص را به مخاطره می‌افکند، بلکه برای حفظ روابط معمول بین‌المللی هم که لازمه همکاری میان دولت‌هاست، تهدیدی جدی است. کارمندان سازمان ملل متحد و دیگر کارکنان وابسته هم که به ایفای وظیفه برای ملل متحد اشتغال دارند، بیشتر از گذشته در معرض حملات و دیگر اقدامات خشونت‌بار بوده‌اند. با این حال، جنبه دیگری از تروریسم بین‌المللی که نگرانی جدی جامعه بین‌المللی را برانگیخته است گروه‌گان‌گیری است. سه کنوانسیون چندجانبه در این باره موجود است که با حمایت ملل متحد تهیه شده و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، این مسائل را مطمح نظر قرار داده است:

یک) کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرائم بر ضد اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، از جمله نمایندگان دیپلماتیک: این عهدنامه در ۲۰ فوریه ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا شد و ۹۲ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمده بودند. این کنوانسیون در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ در نیویورک تنظیم شد (کنوانسیون نیویورک). کنوانسیون نیویورک، برای مقابله با حملات تروریستی بر ضد «اشخاص مورد حمایت بین‌المللی» که در ماده یک به نحو زیر از نظر کنوانسیون تعریف شده‌اند، اقداماتی را مقرر می‌دارد: رئیس کشور یا هر یک از اعضای گروهی که طبق قانون اساسی کشور ذی‌ربط، وظایف رئیس کشور را اعمال می‌نمایند و رئیس دولت یا وزیر امور خارجه، هنگامی که هر یک از این اشخاص در سرزمین یک کشور خارجی به سر برند و همچنین اعضای خانواده‌شان که همراه آن‌ها باشند.

هر نماینده یا کارمند دولت یا هر کارمند یا کارگزار یک سازمان بین‌المللی دولتی که به موجب حقوق بین‌الملل حق دارد در برابر هرگونه حمله به شخص، آزادی و حیثیت خود و خانواده اش از حمایت ویژه برخوردار گردد. بنابراین اشخاص مورد حمایت این کنوانسیون، کسانی هستند که طبق حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهدات بین‌المللی مانند

کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک و کنوانسیون ۱۹۶۳ وین درباره روابط کنسولی و نیز کنوانسیون‌های ناظر بر مصونیت‌های ملل متحد و کارگزاری‌های تخصصی، از مصونیت برخوردار گشته‌اند. طبق ماده ۲ این کنوانسیون، هر دولت عضو موظف است که ارتکاب عمدی حملات زیر را در قوانین داخلی خود، جرم قلمداد کند: قتل، آدم‌ربایی، یا هر نوع حمله به شخص یا آزادی شخص مورد حمایت بین‌المللی. حمله خشونت‌آمیز به اماکن رسمی، محل سکونت، یا وسیله نقلیه متعلق به شخص مورد حمایت بین‌المللی، به نحوی که جان یا آزادی او به مخاطره افتد. تهدید به ارتکاب چنین حمله یا شروع به آن و معاونت در چنین حمله‌ای نیز جرم است. طبق ماده ۹ این کنوانسیون، دولت‌هایی که دارای صلاحیت اصلی درباره جرائم فوق هستند، عبارت‌اند از: دولت محل ارتکاب جرم یا دولت محل ثبت کشتی یا هواپیما هنگامی که جرم در آن‌ها محقق شده باشد، دولت متبوع مجرم ادعایی، دولتی که قربانی به عنوان شخص مورد حمایت بین‌المللی، از جانب وی به انجام وظیفه پرداخته است.

دو کنوانسیون راجع به ایمنی کارکنان سازمان ملل متحد و کارکنان وابسته: این کنوانسیون که در ۹ دسامبر ۱۹۹۴ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تنظیم شد دو هدف دارد: تصریح به حقوق و تکالیف دولت‌های عضو و سازمان ملل متحد و کارکنان وابسته به آن و ایجاد مسؤولیت کیفری برای مرتکبان حملات بر ضد آن اشخاص. به دلیل همین نقطه ثقل دوگانه، دامنه این کنوانسیون، گسترده‌تر از دیگر اسناد مورد بحث است.

سه کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با گروگان‌گیری: این عهدنامه از ۳ ژوئن ۱۹۸۳ لازم‌الاجرا شد و تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ تعداد ۷۷ دولت عضو آن شده بودند. این کنوانسیون در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ تنظیم و تصویب شد و هدف از آن، توسعه همکاری بین‌المللی در زمینه انجام اقداماتی مؤثر برای جلوگیری، تعقیب و مجازات تمام اقدامات گروگان‌گیری، به عنوان تجلیات تروریسم، بین‌المللی است. طبق این کنوانسیون، شخصی که دیگری را برباید، توقیف کند و به قتل، صدمه یا ادامه توقیف او (گروگان) تهدید کند تا شخص ثالثی یعنی یک دولت، یک سازمان بین‌المللی غیردولتی، یک شخص حقیقی یا حقوقی، یا گروهی از اشخاص، به انجام یا خودداری از انجام عملی به عنوان شرط صریح یا ضمنی آزادی گروگان وادار شود، مرتکب جرم گروگان‌گیری شده

است. هر شخصی که شروع به عمل گروگان‌گیری کند یا به عنوان معاون و کمک کار کسی که مرتکب عمل گروگان‌گیری شده یا شروع به ارتکاب آن نموده، مشارکت کند از نظر این کنوانسیون مرتکب جرم شده است (ماده ۱) (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). مقررات این کنوانسیون، در زمینه مکانیسم تعقیب مجرم ادعایی چنین جرمی، از مقررات ذی‌ربط کنوانسیون نیویورک و دیگر اسناد ضد تروریستی که از آن‌ها یاد کرده‌ایم، الگوبرداری شده است (ماده ۵).

۴-۳. استفاده از مواد یا وسایل معینی برای اهداف تروریستی

خطرات بالقوه نهفته در تحصیل و استفاده غیرقانونی از مواد هسته‌ای، مایه نگرانی شدید جامعه بین‌المللی شده است. با به‌کارگیری فراینده انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، این خطر که مواد هسته‌ای در اختیار تروریست‌ها قرار گیرد، پیوسته بیشتر می‌شود. در این زمینه، دو معاهده چندجانبه، با حمایت و توجه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری تنظیم و تصویب شده است.

یک کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای: این عهدنامه در ۸ فوریه ۱۹۸۷ لازم‌الاجرا شد و ۵۵ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمد بودند. برای انجام اقداماتی مؤثر جهت تضمین جلوگیری، کشف و مجازات جرائم مربوط به مواد هسته‌ای، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این کنوانسیون را در ۲۶ اکتبر ۱۹۷۹ در وین تهیه کرد.

دو کنوانسیون علامت‌گذاری مواد انفجاری پلاستیکی به منظور تشخیص آن‌ها، این کنوانسیون که توسط سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری در اول مارس ۱۹۹۱ تهیه و تنظیم شد، واکنش حقوقی مستقیم جامعه بین‌المللی به انفجار پرواز شماره ۱۰۳ پان امریکن بر فراز لاکربی اسکاتلند در دسامبر ۱۹۸۸ بود. هدف از این کنوانسیون، منع (نه مجازات) استفاده از بمب‌های پلاستیکی برای اقدامات تروریستی است. این کنوانسیون، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد که اقدامات ضروری و مؤثر را برای ممنوع کردن و جلوگیری از ساخت مواد انفجاری علامت‌گذاری نشده در قلمرو خود و نیز وارد ساختن یا خارج کردن آن بمب‌ها از سرزمینشان انجام دهند (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

۵. مخالفان و موافقان جرم انگاری مستقل تروریسم در قوانین و مقررات ایران

یکی از سؤالاتی که مدّت‌هاست ذهن حقوقدانان را به خود مشغول کرده، این است که آیا تروریسم یک عمل مجرمانه مستقل است، یا اینکه در قالب یکی از عناوین مجرمانه

در قوانین کیفری قرار می‌گیرد؟ در پاسخ به سؤال فوق، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. گروهی معتقدند که با توجه به عناوین مجرمانه پیش‌بینی‌شده در قوانین کیفری، نیازی به تخصیص عنوان خاصی به اعمال تروریستی نیست. درواقع، مفهوم تروریسم، مفهوم جدیدی محسوب نمی‌شود و اعمال تروریستی، خواه ناخواه به عنوان یکی از جرائم علیه اشخاص (مثل قتل، ضرب و جرح) یا جرائم علیه اموال (مثل تخریب و احراق) یا جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی (مثل مُحاربه) مطرح می‌شوند. نکته مهم اینجاست که این افراد معتقدند تروریسم ماهیت مستقل و بالذاتی ندارد بلکه روش و طریق خاص ارتکاب جرائم عمومی به آن‌ها ویژگی تروریستی یا سازمان‌یافته بودن را می‌دهد (شمس ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۷۸). کشورهای چون آلمان و سوئد این نوع سیاست جنایی تقنینی را اتخاذ کرده‌اند.

اما در مقابل، عده‌ای معتقدند که هرچند مفهوم تروریسم در قوانین جزایی با عناوین مختلف مجرمانه قابل تطبیق است، لکن مفهوم تروریسم، مفهوم جدیدی است و باید آن را به صورت مستقل در قوانین جزایی مورد «جرم‌انگاری» قرار داد و یک سیاست جنایی تقنینی خاص و ویژه در مورد آن اتخاذ کرد. کشور فرانسه از این رویکرد تبعیت کرده است به طوری که قانون‌گذار این کشور در اصلاحاتی که در سال ۱۹۹۶ میلادی در قوانین کیفری مصوب سال ۱۹۹۲ این کشور (که در سال ۱۹۹۴ قابلیت اجرایی یافت) انجام داد، ماده قانونی خاصی را به تروریسم و اعمال تروریستی اختصاص داد. کشور ایران نیز جرائم تروریستی را به‌عنوان جرمی مستقل به صورت کلی همانند جرائم سیاسی و اقتصادی در نظام حقوقی خود پذیرفته است. به نظر می‌رسد با توجه به کثرت عملیات تروریستی در سال‌های گذشته، باید نظر دوم را پذیرفت و تروریسم را به عنوان یک مفهوم مجرمانه خاص و مستقل مورد جرم‌انگاری قرار داد و از جهت سیاست جنایی تقنینی، به تعریف آن پرداخت. این رویکرد، در بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است (شریفی خضارتی، ۱۳۹۴: ۱).

در خصوص جرم تروریسم و نقش بسیار مهم آن در ایجاد رعب و وحشت مطالعات و تحقیقات فراوانی در غرب بخصوص در آمریکا صورت گرفته است، اما در کشور ما که خود یکی از قربانیان اصلی تروریسم در طول دهه‌های گذشته بوده توجه چندانی به این موضوع نشده و اگر کار و تلاشی هم صورت گرفته بسیار ناچیز است. لذا با توجه به متن قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ که خواستار جرم‌شناختن تروریسم در قوانین داخلی و اجرای عدالت در مورد تروریست‌ها و حامیان آن‌ها است، قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران می‌بایست توجه

بیشتری به این پدیده معطوف داشته و در بازنگری و تدوین و تصویب چنین قوانینی تعجیل نماید. برخی معتقدند در مجموعه قوانین جزایی ایران از تروریسم به عنوان جرم خاص نام برده نشده است، اما به هر عمل فردی یا گروهی که هدف آن ایجاد اختلال مهم و جدی در نظم عمومی با ایجاد ترس و وحشت برای نیل به خواسته‌های سیاسی، مالی، ملی، مذهبی، آزادی و غیره یا ایجاد ناامنی و ترس از مردم باشد، تروریسم اطلاق می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۸۸: ۲۹۶).

در نظام حقوقی ایران جرمی تحت عنوان تروریسم وجود ندارد و قانون‌گذار در موارد متعدد به صورت پراکنده اقدام به جرم‌انگاری برخی مصادیق اعمال تروریستی نموده است. عنوان فقهی محاربه در نظام حقوقی ایران با تعریف عام از تروریسم بسیار نزدیک است. در پاسخ به این ادعا می‌توان گفت همین‌که قانون‌گذار به صورت مصداقی و پراکنده اعمال تروریستی را جرم‌انگاری نموده به این معنی است که به صورت کلی و مستقل، جرائم تروریستی را در نظام حقوقی ایران پذیرفته است. نوع و پیچیدگی اعمال تروریستی و نیز سازمان‌یافتگی و فراملی شدن آن ضرورت بازنگری در این اقدامات و جرم‌انگاری پدیده تروریسم به صورت مستقل را آشکار می‌سازد و مقنن باید با درک این مهم، قوانین کارآمد در این زمینه تصویب کند. از میان ۱۳ سند بین‌المللی در زمینه تروریسم، جمهوری اسلامی ایران تاکنون به ۵ سند ملحق شده است. هرچند که برخی وجود عنوان محاربه را در نظام کشور کافی می‌دانند اما در مقابل این عقیده وجود دارد که با توجه به گستردگی جرائم تروریستی و ابعاد گوناگون و ظهور اشکال نوین این دسته از جرایم، ضرورت تدوین قانون جامع در امر مبارزه با این پدیده جهانی همگام با کشورهای جهان وجود دارد. ضرورت دارد که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اصلی‌ترین قربانیان ترور و اینکه اکنون در میدان اصلی مبارزه با تروریسم قرار گرفته است، با اتخاذ سیاست جنایی مناسب در این زمان و با در نظر داشتن ملاحظات لازم، ضمن مبارزه با زمینه‌های عوامل بسترساز جذب جوانان ایرانی به گروه‌های تروریستی در داخل کشور و منطقه‌ی خاورمیانه با واکنش‌های بنیادی سیاسی - اجتماعی و با نگاهی آسیب‌شناسانه به مدیریت چالش‌های اعتقادی در جهان اسلام، توجه لازم به برجسته‌سازی عنوان مستقل تروریسم در قانون کیفری اقدام و مبارزه با تروریسم را نیز به درون قوانین کیفری خود بکشاند. چراکه حقوق کیفری داخلی ایران نمی‌تواند با توجه به پدیده‌ی جهانی شدن جرم، موضوع تروریسم را با تفاسیر موسع از جرم محاربه، افساد فی‌الارض و یا بغی به موضوع نگاه دارد. اقدامات تروریستی اخیر و پرچم‌داری جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با تروریسم منطقه،

ضرورت جرم انگاری تروریسم با توصیف مجرمانه‌ی آن به صورت مستقل و متناسب با تحول مفهومی و مصداقی (تعیین عناصر تشکیل دهنده آن) در قوانین کیفری ایران را تشدید می‌نماید که امید است موضوع در دستور کار قانون‌گذاران کیفری قرار گیرد (شکری، ۱۳۹۶: ۲).

مطلب مهم و قابل توجه این است که اگرچه در نظام عدالت کیفری ایران به طور مشخص از اصطلاح «جرائم تروریستی» در قوانین و مقررات گوناگون از جمله قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و یا قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی مورد استفاده و پیش بینی قرار نگرفته است برخلاف اصطلاحاتی چون جرائم اقتصادی و جرائم سیاسی... اما باین وجود در سال ۱۳۹۴ قانون گذار مبادرت به وضع یک قانون خاص تحت عنوان «قانون تأمین مالی تروریسم» نموده است. در این قانون اگرچه اصطلاح «جرائم تروریستی» به کارگیری نشده است؛ اما باین وجود قانون گذار در قسمت صدر ماده یک قانون اخیرالذکر از اصطلاحاتی چون «افراد و یا اعمال تروریستی» استفاده نموده است و در بندهای ذیل این ماده به طور مشخص مصداقی اعمال و افراد تروریست را پیش بینی نموده است که این امر به طور ضمنی می تواند بیانگر این باشد که در نظام حقوق کیفری کنونی ایران، جرائم تروریستی نیز با وضعیتی مشابه جرائم اقتصادی و یا جرائم سیاسی نیز جرم انگاری واقع شده است و قانون گذار با ذکر مصداقی مشخص هر یک در قانون، این اعمال و رفتارها را تحت هر یک از عناوین مثلاً جرائم اقتصادی، جرائم سیاسی و یا جرائم تروریستی دانسته است؛ گرچه هر یک از آن رفتارها قبلاً در قانون مجازات اسلامی و یا قوانین متفرقه جزایی دیگر تحت عناوین جزایی خاص مثلاً اختلاس، سوء قصد به جان مقام سیاسی و غیره نیز مورد جرم انگاری واقع شده‌اند و این امر در واقع نافی عنوان جزایی کلی برای هر یک از این رفتارها مثلاً جرائم اقتصادی و یا جرائم تروریستی نخواهد بود که از لحاظ حقوقی و قضایی بر شمول هر کدام از این عناوین کلی جزایی مثلاً جرائم اقتصادی نسبت به یکسری از عناوین جزایی خاص و گوناگون، سیاست کیفری و قواعد خاصی حاکم بوده که این قواعد در سایر عناوین جزایی جاری نخواهد بود؛ بنابراین به اعتقاد نگارندگان، با کمی تسامح می توان گفت که جرائم تروریستی و مصداقی آن در حقوق ایران به طور معین مورد جرم شناسی واقع شده است و با خلأ قانونی در این باره مواجه نخواهیم بود. از این رو، در حقوق جزای کنونی ایران منبع قانونی اصلی درباره جرائم تروریستی و مصداقی آن، قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ و نیز اسناد و کنوانسیون هایی است که دولت جمهوری اسلامی ایران مطابق ماده ۹ ق.م مدنی بدان ملحق شده است.

۶. مقایسه میان تروریسم با مفاهیم دیگر

۶-۱. تروریسم و محاربه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قوانین جزایی اسلامی جای قوانین قبلی را گرفت. اگرچه در قوانین گذشته جزائی ایران نیز به دلیل اقتباس از قوانین سابق اروپا، ذکری از تروریسم و تروریست و جرائم مربوط به آن نشده بود ولیکن با ورود مجازات‌های محاربه در قوانین فعلی عملاً می‌توان نوعی ارتباط بین محارب و تروریسم را تشخیص داد. محاربه در لغت به معنی مقاتله و از بین بردن و جنگیدن است که به صورت تهاجم و دشمنی مطرح می‌گردد و تروریسم نیز در یک معنا به خشونت غیرمنتظره و غیرمعمول برای تحت فشار قرار دادن و یا ارباب از طریق حمله و تهدید گفته می‌شود. روشن است که هم در محاربه و هم در تروریسم عناصری چون تهدید، ارباب و تهاجم و دشمنی وجود دارد و هر دو در این معنا قصد از بین بردن یا تحت فشار قرار دادن طرف مقابل را در نظر دارند. برای آنکه بتوانیم نتیجه‌ای از بحث داشته باشیم، در اینجا یک تعریف فقهی از محاربه را به عنوان نمونه انتخاب شده و با تروریسم مقایسه می‌شود.

در تعاریفی که از اکثر فقها در باب محاربه وارد شده است، آمده است: محاربه عبارت است از برهنه کردن سلاح در خشکی یا دریا، شب یا روز برای ترساندن مردم در شهر باشد یا غیر شهر، مرد باشد یا زن، قوی باشد یا ضعیف (شهید ثانی، ۱۳۷۱: ۲۹۰). با حذف قیود اضافی، دو عنصر اساسی در تعریف محاربه می‌باشد یکی برهنه کردن سلاح و دیگری به قصد ترساندن مردم. پرواضح است که برهنه کردن سلاح همان کشیدن سلاح و استفاده از آن است و تفاوتی بین اینکه سلاح گرم یا سرد باشد، وجود ندارد. در ترور نیز ابتدا تروریست، استفاده از سلاح گرم یا سرد می‌باشد. قصدی که برای محارب در تعاریف فقها آمده است «ترساندن» مردم می‌باشد، در ترور نیز انگیزه تروریست ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت مردم می‌باشد، یعنی تروریست به شیوه‌های غافلگیرانه و غیرقانونی به سلب امنیت مردم اقدام می‌نماید، اگرچه تروریست این اعمال را با اهداف سیاسی انجام می‌دهد ولیکن این هدف نمی‌تواند معنای تروریسم و تروریست را از محاربه و محارب دور نماید.

امام خمینی (ره) در تعریف محاربه علاوه بر برهنه کردن سلاح یا آماده کردن آن برای ترساندن مردم، شرط دیگری نیز به آن افزوده است و آن «اراده افساد محارب در زمین» می‌باشد؛ ایشان می‌نویسد: محارب کسی است که به قصد ایجاد ناامنی و تباهی و آشفستگی در

جامعه اسلحه کشیده یا آن را آماده نماید(امام خمینی، ۱۴۰۴: ۴۹۲). این شرط، شرط دقیقی است که در مقایسه با تروریست خود را کاملاً نمایان می‌سازد، یعنی اگر کشیدن اسلحه برای ترساندن مردم باشد ولی قصد فساد در آن نباشد، از تعریف محارب خارج می‌شود. در اعمال تروریستی نیز کشیدن سلاح جهت ایجاد رعب و وحشت و درنهایت سلب امنیت صورت می‌گیرد؛ و در یک معنا هدف در ترور شخص قربانی نیست بلکه تمام مردم و امنیت آن‌ها مطرح می‌باشد. لغت فساد به معنای خروج از حالت اعتدال است و در این معنا، قصد افساد فی‌الارض یعنی اینکه، قصد مرتکب این باشد که در نظم مقرر در جامعه اخلال ایجاد کند و آسایش عمومی را در مخاطره قرار دهد و این تعریف دقیقاً با تعریف تروریسم در حال حاضر مطابقت دارد چرا که تروریسم نیز با اتخاذ شیوه‌های غافلگیرانه و غیرقانونی اخلال در ارائه خدمات عمومی و نظم عمومی ایجاد نموده و با به وجود آوردن جو ارباب عملاً آسایش عمومی مردم را به خطر می‌اندازد.

از مطالبی که ذکر گردید، به دست می‌آید که اگر ماهیت جرم محاربه ایجاد اختلال در امنیت عمومی است، پس می‌تواند بارزترین مصداق آن تروریسم باشد. این تعریف در حقوق جزائی امروز می‌تواند کلیه جرائم علیه امنیت مردم که به قصد اخلال در امنیت عمومی باشد را شامل گردد و این برداشت با نظر برخی از فقهای بزرگ نیز منطبق می‌باشد. همان گونه که اشاره شد، برای دستیابی به یک تعریف حقوقی از تروریسم، در حقوق جزای اسلامی می‌توان آن را با محاربه تطبیق کرد و با شناخت وجوه مشترک بین آن‌ها برای ضمانت اجرایی آن را در قوانین مدون وارد نمود و حتی می‌توان با یک بررسی جامع و کامل خلأ عدم تعریف صحیح از تروریسم و تروریست را با بحث محاربه و محارب، به عنوان یک رویه حقوقی قابل استناد، در مجامع قضایی جهان مورد استفاده قرار داد.

امروزه با پیشرفت تکنولوژی به طور محسوس، طبیعت و شکل تروریسم نیز تغییر نموده و از این طریق دایره عمل تروریسم را وسیع تر کرده است. دستیابی به سلاح پیچیده بیشتر از گذشته است. امروزه یکی از پیچیده‌ترین ابزارها ویروس کامپیوتری است که قادر است به بزرگ‌ترین کمپانی‌ها و حتی نیرومندترین دولت‌ها آسیب برساند. نظام اقتصادی و اجتماعی امروزی که در آن وابستگی متقابل اجتماعی و فرهنگی به‌طور مستمر شاهد رشد و شکوفایی است، فرصت را برای بروز فعالیت‌های تروریستی به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی آماده کرده است؛ و در آخر اینکه به علت پیشرفت‌های ارتباطی، فعالیت‌های تروریستی خواهد توانست از تبلیغات

وسیع در دنیا بهره‌برداری کند و به همین جهت مقابله با آن نیز روزبه‌روز سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. برای مقابله با تروریسم باید گفت اگرچه نمی‌توان ترور را ریشه کن ساخت اما می‌توان با پیش‌بینی و تصویب اقدامات قانونی و حقوقی دامنه آن را تحت کنترل درآورد، هرچند در این زمینه نقش دادگاه‌ها و قضات در بررسی پدیده مجرمانه ترور نقش اساسی را به عهده دارد. به گفته برخی از جرم‌شناسان معاصر تروریسم فقط با عزم ملی، مجازات شدید و سریع قانونی قابل درمان است.

۲-۶. تروریسم و جرم سازمان‌یافته

به‌رغم اینکه جرم تروریسم و جرم سازمان‌یافته، شباهت‌هایی با یکدیگر دارند، اما اختلاف‌های شناخته‌شده بین آن‌ها سبب شده است برای هر یک از آن‌ها وجود مستقلاً قائل شوند.

۲-۶-۱. وجوه تشابه

هر دو پدیده تروریسم و جرم سازمان‌یافته، علاوه بر فراگیری، به پدیده‌ای فراملی تبدیل شده‌اند و تروریست‌ها و جنایتکاران فراملی امروزه کمال استفاده و بهره‌برداری را از جهانی‌شدن در رسیدن به مقاصد مجرمانه خود می‌برند. زیرا سرعت جابجایی و بازتر شدن مرزهای بین کشورها و تسهیلات و ایمنی که وسایل ارتباطی ایجاد کرده‌اند، هم برای کاربران قانونی و حکومت‌های ملی در جهت توسعه و پیشرفت جوامع فایده رسانده است و هم برای کسانی که در جستجوی صدمه رساندن به دیگران و ارتکاب جرم و بردن سودهای نامشروع و غیرقانونی بوده‌اند (Shelley, Louise, 2003: 303-313).

برخلاف آنچه در مورد اعمال تروریستی گفته می‌شود، این‌گونه اعمال اقداماتی کور و بی‌هدف نیستند. بلکه تروریست‌ها مانند اعضای گروه مجرمانه معمولاً به صورت برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند اقدام می‌کنند (Calvani, Sandro, 2002: 18). زیرا باوجودی که در اغلب اقدامات تروریستی آماج حملات، اشخاص بی‌گناه هستند اما اقدامات مزبور مورد خواست تروریست‌ها است تا به هدف و خواسته خود در برابر حکومت یا اشخاص دیگر برسند.

هر دو گروه معمولاً از رفتارهای خشونت‌آمیز و بی‌رحمانه برای ارباب مستقیم قربانیان خود و تهدید و توسل به خشونت فیزیکی برای رسیدن به مقاصد خود استفاده می‌کنند. البته هدف هر یک از گروه‌ها در استفاده از خشونت متفاوت است (Calvani, Sandro, 2002: 18). هر

دو گروه از روش‌ها و تدابیر مشابه در ارتکاب جرم مانند؛ آدم‌ربایی، هواپیماربایی، ترور و اخاذی و همچنین جرائم علیه اموال را برای تأمین مالی سازمان خود مورداستفاده قرار می‌دهند.

۲-۲-۶. وجوه افتراق

مهم‌ترین عاملی که متخصصان به خصوص جرم‌شناسان در تمییز و تفکیک اعمال تروریستی سازمان‌یافته از جرائم سازمان‌یافته ذکر کرده‌اند، انگیزه و داعی ارتکاب جرم است. به گفته آنان جرم سازمان‌یافته با انگیزه سودجویی صورت می‌گیرد در حالی که اقدامات تروریستی را با انگیزه سیاسی یا ایدئولوژیک ارتکاب می‌یابند و گروه‌های تروریست به‌طور ایدئولوژیک اقدام به عملیات تروریستی می‌کنند و هدف آن‌ها هم این است که قدرت را در دست بگیرند. در حالی که گروه مجرمین سازمان‌یافته برای تحصیل منافع مادی وارد عمل می‌شوند و به دنبال تحصیل قدرت نیستند. یکی از نتایج منطقی این تفاوت این است که گروه‌های تروریستی به دنبال سرنگونی یا اضمحلال حکومت هستند، در حالی که گروه مجرمین سازمان‌یافته عموماً به دنبال کار کردن در یک سیستم اجتماعی خاص برای تداوم بخشیدن به فعالیت‌های خود می‌باشند. تفاوت اساسی در این است که سازمان‌های تروریستی به دنبال سرنگونی دولت یا تغییر روابط سیاسی موجود هستند (ر.ک. بسیونی و وتر، ۱۳۸۰: ۱۲۴).

در کنوانسیون پالرمو هم به وجود انگیزه سودجویی و کسب منافع مادی در جرائم سازمان‌یافته فراملی تأکید شده است (Art2,(a),and Art5,(a),Par.I). از ویژگی‌های اصلی جرم سازمان‌یافته وجود گروه مجرمین سازمان‌یافته یا یک گروه دارای تشکیلات سازمانی است که هدفشان ارتکاب جرم است و برای اعضایش نقش معینی مشخص کرده و در ترکیب اعضای آن استمرار وجود دارد. به‌رغم آنکه امروزه پدیده تروریسم نیز به‌صورت سازمان‌یافته خود را نشان می‌دهد، اما نمی‌توان منکر اعمال تروریستی به‌صورت انفرادی شد (Luneev, viktor, 2002: 45). در قوانین کیفری کشورهای مختلف نیز تروریست را اعم از شخص، گروهی از اشخاص معرفی کرده‌اند.

تمایز دیگر بین گروه‌های تروریستی و گروه مجرمین سازمان‌یافته، در رفتار مقابل حکومت‌ها با آن‌هاست. بعضی از حکومت‌ها با نمایندگان گروه‌های انقلابی که به عملیات ترور خشونت‌آمیز مشغول‌اند، مذاکره می‌کنند. چنین مذاکراتی بر اساس تصمیم دولت‌ها جهت به رسمیت شناختن چنین گروه‌هایی است بدون در نظر گرفتن نوع کارهایی که این گروه‌ها مرتکب آن شده‌اند. مکرراً چنین مذاکراتی منجر به شکلی از مشروعیت بخشیدن به چنین گروه‌هایی

گردیده است. ولی روش مذاکرات را دولت‌ها در برخورد با گروه مجرمین سازمان‌یافته به کار نمی‌برند (ر.ک. بسیونی و وتر، ۱۳۸۰: ۱۲۴).

تروریست‌ها اغلب خواستار این هستند که اقدامات آن‌ها تحت پوشش رسانه‌ای قرار گیرد و آن‌ها را وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف خود می‌دانند. در حالی که گروه مجرمین سازمان‌یافته از این امر اجتناب می‌ورزند. با توجه به اینکه هدف و انگیزه در گروه‌های تروریستی سیاسی، کسب قدرت است اغلب در جلب حمایت مردم با دولت‌ها در رقابت هستند و سعی می‌کنند اعمال خشونت از ناحیه خود را به نحوی توجیه کنند در حالی که گروه مجرمین سازمان‌یافته به چنین حمایتی نیاز ندارند (Calvani, Sandro, 2002: 18).

تروریسم همواره با خشونت و اعمال خرابکارانه همراه است، لیکن جنایات سازمان‌یافته غالباً بدون خشونت محسوس صورت می‌گیرند و جز در موارد ضروری از این حربه استفاده نمی‌شود (سلیمی، ۱۳۸۲: ۴۴). با توجه به تهدیداتی که از جانب تروریسم متوجه ملل مختلف شده است، این جرم در اسناد بین‌المللی موقعیت ممتازی پیدا کرده است و علاوه بر این که اشکال مختلف آن در کنوانسیون‌های متعدد سازمان ملل متحد محکوم و در جهت مبارزه با آن‌ها مقرراتی پیش‌بینی شده است، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در چندین قطعنامه تروریسم را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی شناخته است. در حالی که تلقی جهانیان در امر مبارزه با جرائم سازمان‌یافته به این اندازه از اهمیت نبوده است.

۳-۶. تروریسم و جرم سیاسی

وجود شباهت تروریسم و جرم سیاسی سبب شده است که در آثار متعددی تروریسم را به عنوان یک جرم سیاسی تلقی کنند و حتی در برخی از تعاریف به عمل آمده از تروریسم، انگیزه تروریست‌ها را کسب قدرت سیاسی یا مقابله با نظام حاکم دانسته‌اند، اما به نظر می‌رسد چنین برداشتی از تروریسم کامل نیست و هم‌چنانکه در برخی از آثار علمی آمده است، تروریسم سیاسی که مرتکب یا مرتکبین دارای اهداف سیاسی هستند فقط یکی از انواع تروریسم است.

در واقع تروریسم سیاسی چیزی بیش از یک عمل مجرمانه مهم و جدی است. این عمل پیامی نیز با خود به همراه دارد. تروریسم سیاسی با توسل به تهدید یا اخاذی، خواهان جلب توجه دیگران است. در این نوع از تروریسم، قربانیان مشخص هرگز به طور تصادفی انتخاب نمی‌شوند. تروریست‌ها با انجام حملات در اماکن عمومی مانند خیابانی شلوغ، ایستگاه قطار، فرودگاه، یا یک فروشگاه بزرگ در پی آن‌اند که با ایجاد جو گسترده وحشت عمومی، حکومت‌ها

را تحت فشار قرار دهند. در حملات انفرادی نیز غالباً دیپلمات‌ها یا مقامات عمومی به‌عنوان نمایندگان دولت، شخصیت‌های رسانه‌ای برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی، دانشگاهیان و دانشمندان برای محکوم ساختن همکاری فکری آن‌ها با دولت و استعمار فرهنگی، یا متخصصان صنعتی به‌عنوان نمایندگان امپریالیسم اقتصادی آماج حمله قرار می‌گیرند (موریس، ۱۳۸۲: ۲۸۶) تا تروریست‌ها بدین‌وسیله به مقاصد سیاسی خود برسند.

بنابراین ضمن پذیرش این موضوع که مصادیق قابل توجهی از تروریسم، ماهیتاً جرم سیاسی هستند اما امروزه کشورها به‌هیچ‌وجه تمایلی به سیاسی محسوب کردن تروریسم ندارند و مرتکب اعمال تروریستی را از رژیم ارفاقی و تخفیف بهره‌مند نمی‌سازند. درعین حال جرائم سیاسی به اقدامات مسالمت‌آمیزی مانند تظاهرات غیرقانونی، اقدامات تبلیغاتی علیه دولت‌ها و جرائم مطبوعاتی محدود شده‌اند. به‌عبارت‌دیگر یکی از وجوه اختلاف تروریسم و جرم سیاسی، در مواردی که انگیزه تروریست‌ها همانند جرم سیاسی است، خصوصیت استفاده از خشونت توسط تروریست‌ها است؛ اما این ضابطه در مورد حکومت‌هایی که اجازه هیچ‌گونه اظهار عقیده و رفتار مسالمت‌آمیز را هم به شهروندان خود نمی‌دهند تا حدودی قابل تعدیل است.

هرچند عدم حصول توافق بر سر تعریف واحدی از جرم تروریسم و جرم سیاسی چه از جنبه تئوری و آکادمیک و چه از جهت عملی نزد اعضای جامعه بین‌المللی را می‌توان به‌عنوان نقطه اشتراکی بین این دو جرم در نظر گرفت اما روشی که در تعیین مصادیق و نمونه‌های هر یک از دو جرم مورد استفاده قرار گرفته، متفاوت بوده است. بدین توضیح که روش تعیین مصادیق جرم تروریسم در کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها به‌صورت ایجابی است و اعمال مختلفی به‌عنوان جرم تروریستی شناخته شده است. درحالی‌که روش بکار گرفته شده در تعیین مصادیق جرم سیاسی به‌صورت سلبی است یعنی توافق نسبت به مواردی شده است که جرم سیاسی نیست. برای نمونه برخی از دولت‌ها صریحاً اعلام کرده‌اند که جرائمی مانند سوءقصد علیه جان سران دولت، جنایات جنگی، نسل‌کشی، تروریسم و یا نقض حقوق بشردوستانه (کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو) جرم سیاسی تلقی نمی‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۲۷۲).

قلمرو ارتکاب این دو پدیده مجرمانه تا حدودی با یکدیگر متفاوت است. بدین توضیح که عنصر فراملی در شکل‌گیری و گسترش تروریسم بر خصیصه ملی آن تفوق و برتری یافته است. درحالی‌که هنوز خصیصه برتر جرائم سیاسی، در نقطه مقابل جرائم تروریستی، جنبه ملی آن‌ها

است و عنصر فراملی اگرچه در آئین دادرسی آن‌ها، مؤثر و مورد توجه قرار می‌گیرد، اما در شکل‌گیری این دسته از جرائم تأثیر به‌سزایی نخواهد داشت.

مؤلفه فراملی در جرائم تروریستی نه‌تنها در شکل‌گیری این دسته از جرائم نقش اولیه را به عهده دارد، بلکه در امر مبارزه با این پدیده نیز به‌عنوان مهم‌ترین ابزار، مورد توجه قرار گرفته است. به همین جهت مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه در امر مبارزه با تروریسم سعی در ایجاد وفاق بین‌المللی از طریق تصویب کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و ایجاد معاضدت و همکاری بین‌المللی است.

۷. ارکان جرم تروریسم در حقوق موضوعه ایران

۱.۷. رکن قانونی

فعل یا ترک فعل انسانی هراندازه زشت و نکوهیده و برای نظام اجتماعی زیان بخش باشد تا زمانی که حکمی بر آن وارد نشده و یا در قانون پیش‌بینی نشده باشد قابل مجازات نیست. به بیان دیگر مادام که قانون‌گذار فعل یا ترک فعلی را جرم نشناسد و کیفری برای آن تعیین نکند افعال انسان مباح است؛ بنابراین تحقق جرم و صدور حکم مجازات منوط به نص صریح قانون است (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۲۶/۱).

در حقوق ایران، ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و بندهای آن و همچنین ماده ۲ این قانون، به عنوان رکن قانونی جرم تروریسم است. البته باید توجه داشت علاوه بر مقرراتی که به صورت طرح یا لایحه در مجلس مطرح شده و به‌عنوان قانون به تصویب می‌رسد مطابق ماده ۹ قانون مدنی مقررات عمومی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است. البته پیوستن به معاهدات بین‌المللی باید توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد تا آن معاهده در حقوق داخلی لازم‌الرعايه باشد. در سطح جامعه‌ی بین‌المللی همان‌طور که قبلاً اشاره گردید ۷ کنوانسیون و معاهده بین‌المللی منطقه‌ای و ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی جهانی در زمینه مقابله با تروریسم وجود دارد. کشور ما به ۵ معاهده از معاهدات ۱۲ گانه بین‌المللی جهانی پیوسته است. عضویت در ۴ کنوانسیون قبل از انقلاب که عبارت‌اند از:

۱. کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو مربوط به مقابله با جرائم و سایر اعمال ارتكابی در هواپیما؛

۲. کنوانسیون ۱۹۷۰ لایحه مربوط به مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما؛

۳. کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال مربوط به مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری و

۴. کنوانسیون ۱۹۷۳ سازمان ملل مربوط به پیگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأمورین دیپلماتیک و عضویت در پروتکل ۱۹۸۸ مونترال مربوط به مقابله با اقدامات غیرقانونی خشونت‌آمیز در فرودگاه‌هایی که در خدمت هواپیمایی کشور است و الحاقی به کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱ است، در اسفند ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در ۲۹ فروردین ۱۳۸۰ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است (شریعت باقری، ۱۳۸۵: ۱۸۰). این معاهدات و کنوانسیون‌ها هیچ‌یک تروریسم را معنی نکرده‌اند ولی بیش از نیمی از اعمال تروریستی بین‌المللی را در برمی‌گیرند (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۰). نکته مهم قابل ذکر اینکه هرچند با تصویب مجلس در پیوستن به این کنوانسیون‌ها، مفاد آن جامه‌ی قانون به خود پوشیده و در حقوق داخلی قابل اجرا می‌گردد اما از آنجاکه در این کنوانسیون‌ها هیچ‌گونه مجازاتی برای مرتکبین اعمال تروریستی پیش‌بینی نشده و اختیار تعیین مجازات به کشورهای عضو واگذار شده است، بنابراین تا زمانی که قوه‌ی مقننه علاوه بر پیوستن به این کنوانسیون‌ها، برای مرتکبین اعمال تروریستی مجازاتی مقرر ننموده بود، دادگاه‌ها نمی‌توانستند در برخورد با مرتکبین این اعمال برای آن‌ها مجازات در نظر گیرند و ناگزیر باید در صورت صدق کامل عمل یا به عنوان محاربه با مرتکبین این اعمال برخورد می‌نمودند و یا مطابق قوانین دیگری مانند قانون اخلال گران در صنعت نفت (۱۳۳۶) یا ماده واحده مجازات اخلال گران در امنیت پرواز (۱۳۴۹) و ... به مقابله با این اعمال می‌پرداختند تا اینکه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید و برای مرتکبان اعمال تروریستی، مجازات تعیین نمود.

۷-۲. رکن مادی

رفتار مرتکب: جهت تشریح اجزاء سه‌گانه‌ی رکن مادی باید به تعریف جرم تروریستی توجه نمود. وجه مشترک تعاریف ارائه شده «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب جرائم و اعمال خشونت‌آمیز برای ارباب مردم جهت نیل به مقاصد موردنظر» می‌باشد. دقت در عبارات «ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز» و «تهدید به ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز» نشان می‌دهد رفتار مرتکب در جرائم تروریستی به صورت فعل مثبت مادی یا معنوی می‌باشد. معنوی به این جهت که فعل ارتکابی متهم لازم نیست در عالم خارج نمود واقعی و ملموس داشته باشد بلکه صرف تهدید به ارتکاب

اعمال خشونت آمیز نیز که احساس امنیت مردم را سلب می‌نماید می‌تواند موجب تحقق جرم تروریستی گردد. آنچه مطلوب نظر مرتکب اعمال تروریستی است ایجاد جو رعب و هراس در مردم است که همیشه برای تحقق آن اقدامات عملی در کشتار و تخریب اموال لازم نبوده و گاه تهدید صرف نیز جهت نیل به این مقصود کافی است. نکته دیگر اینکه هرچند اعمال تروریستی غالباً به صورت گروهی و به شکل سازمان‌یافته انجام می‌گیرد منتهی این بدان معنا نیست که در تعریف تروریسم آن را محدود به اقدامات گروه‌های سازمان‌یافته نمائیم بلکه ارتکاب این جرم توسط فرد نیز امکان‌پذیر بوده و مرتکب آن می‌تواند یک فرد یا گروه سازمان‌یافته باشد. در مواردی حتی بحث از مسؤولیت دولت‌ها به‌عنوان مرتکبین اعمال تروریستی یا حامیان گروه‌های تروریستی مطرح است.

شرایط لازم جهت تحقق جرم: در مورد شرایط و اوضاع و احوال وقوع جرم، مهم‌ترین بحث نوع وسیله‌ی به‌کاررفته جهت ارتکاب اعمال تروریستی است. در این‌گونه اعمال، وسیله موضوعیت ندارد؛ بدین معنا که استفاده از وسیله‌ی خاصی شرط تحقق جرائم تروریستی دانسته نشده و آنچه حائز اهمیت است قابلیت و شایستگی اعمال صورت گرفته در ایجاد رعب و هراس است. به‌طور مثال از آنجاکه امروزه بسیاری از خدمات عمومی از قبیل برق، گاز، حمل و نقل و... با استفاده از تکنولوژی رایانه‌ها مدیریت و ارائه می‌گردد نفوذ در سیستم کار این دستگاه‌ها و ایجاد اختلال در امر خدمات‌رسانی به مردم می‌تواند یکی از راه‌های ایجاد رعب و وحشت باشد. دیگر، سلاح از مفهوم سنتی خود فاصله گرفته و بشر برای کشتار هم‌نوعان خود هر روز در پی اختراعی تازه است. امروزه استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی به‌عنوان خطری بزرگ برای جوامع بشری قلمداد می‌گردد به طوری که یک حمله‌ی میکروبی که در آن به‌اندازه‌ی سی کیلوگرم از باکتری سیاه زخم استفاده شده باشد می‌تواند بیست تا هشتاد هزار کشته بر جای گذارد؛ درحالی که یک حمله اتمی با قدرت بیست میلیون تن فقط چهل هزار کشته بر جای می‌گذارد. به همین دلیل، تروریسم میکروبی به‌عنوان بزرگ‌ترین خطر دانسته شده است (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲: ۴۷).

موضوع جرم تروریسم ایجاد رعب و هراس در مردم و اخلال در امنیت جامعه است. باید توجه داشت هرچند نتیجه‌ی هر جرمی ایجاد ناامنی در جامعه بوده و بدین جهت جامعه بزه دیده‌ی غیرمستقیم همه جرائم تلقی می‌گردد، منتهی آنچه ترس و وحشت موجود در تروریسم را از وحشت و ترسی که در سایر جرائم برای قربانی به وجود می‌آید تفکیک می‌کند آن است

که در جرائم دیگر ایجاد ترس و وحشت هدف اصلی مجرم نیست، بلکه به طور فرعی و ثانوی از اعمال او ناشی می‌شود (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

نتیجه رفتار مرتکب: النهایه در مورد جزء سوم رکن مادی آنچه قابل ذکر است اینکه تروریسم جرمی مطلق است و برعکس جرم مادی (مقید) که در آن نتیجه یکی از عناصر تشکیل دهنده‌ی جرم است و جرم مگر با ورود خسارت محقق نمی‌گردد این گونه جرایم (جرایم رسمی یا مطلق) مجرد از هرگونه خسارت بوده و برای تحقق جرم لازم نیست نتیجه‌ی موردنظر مرتکب تحصیل شود (استفانی و لواسور و بولوک، ۱۳۸۳: ۳۱۹/۱). صرف ارتکاب اعمال یا تهدید به ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز جهت تحقق جرم تروریستی کافی است. هرچند انگیزه در امور کیفری و در تعریف جرم نقشی ندارد منتهی زمانی که قانون‌گذار در تعریف جرمی انگیزه را لحاظ نماید جهت تحقق جرم احراز انگیزه‌ی موردنظر مقنن الزامی است؛ بنابراین اعمال خشونت یا تهدید به اعمال خشونت باید به انگیزه‌ی ایجاد رعب و هراس در مردم صورت گرفته و رفتار مرتکب قابلیت و شایستگی ایجاد وحشت را نیز داشته باشد تا عمل شخص جرم تروریستی محسوب گردد.

۷-۳. رکن روانی

برای اینکه از نظر قضایی جرمی واقع شود ارتکاب یک عمل مادی (رکن مادی) که از طرف قانون پیش بینی و مجازات شده باشد کافی نیست، بلکه باید این عمل مادی اثر اراده‌ی مرتکب آن باشد (همان: ۳۵۱). در حقوق جزای مدرن، انسان زمانی نسبت به عمل خود مسئول و مستحق کیفر شناخته می‌شود که انجام آن را خواسته و با علم به نامشروع بودن مرتکب آن شده یا در ارتکاب آن تقصیری از او سرزده باشد. رکن روانی جرم از دو جزء سوءنیت عام (قصد فعل) و سوءنیت خاص (قصد نتیجه) تشکیل شده است. سوءنیت عام یعنی مرتکب در انجام جزء اول عنصر مادی یعنی فعل مجرمانه دارای اختیار بوده و با علم به نامشروع بودن مرتکب آن شده باشد.

از آنجا که فعل مجرمانه‌ی جرم تروریستی ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز یا تهدید به ارتکاب این اعمال است سوءنیت عام این جرم نیز قصد ارتکاب یا تهدید به ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز می‌باشد. برای اینکه عمل شخصی عمدی تلقی گردد علاوه بر آگاهی از ممنوعیت ارتکاب عمل (علم به حکم) علم به خصوصیت و ماهیت فعل ارتکابی نیز لازم است (علم به موضوع)، چراکه وقتی فاعل از آثار فعل ارتکابی ناآگاه باشد نمی‌تواند نتایج ناشی از آن را بخواهد هرچند

بی‌احتیاطی در پیش بینی نتیجه می‌تواند تقصیر تلقی شده و عنصر روانی جرائم غیر عمدی باشد که از موضوع بحث که بررسی جرم عمدی است، خارج است؛ بنابراین هرگاه شخصی بداند ارباب مردم ممنوع است ولی نسبت به خاصیت اربابی فعل خود ناآگاه باشد عمل او تروریستی نخواهد بود مثل اینکه بدون آگاهی از منفجره بودن مواد در دسترس خود اقدام به پرتاب آن در مکان عمومی نماید که در این صورت انفجار و ایجاد هراس را نمی‌توان خواسته‌ی فاعل محسوب نمود. در بحث از سوءنیت عام باید گفت: مرتکب باید با علم به ارباب آمیز بودن عمل، در انجام آن قاصد بوده و وقوع آن را خواسته باشد.

سوءنیت خاص این جرم نیز عبارت از قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران است. به عبارت دیگر مرتکب باید با علم به آثار مترتب بر اعمال خود حصول آن را خواستار باشد. هرچند در توضیح جزء سوم عنصر مادی گفتیم، جرم تروریستی به لحاظ اینکه جرمی مطلق است نیاز به حصول نتیجه ندارد و صرف انجام عمل موردنظر مقنن کافی است و از طرفی سوءنیت خاص در واقع خواستن جزء سوم عنصر مادی یعنی نتیجه است منتهی باید دقت داشت که در جرائم مطلق نیز فاعل سوءنیت خاص داشته و خواهان تحصیل نتیجه از اعمال خود می‌باشد ولی قانون‌گذار اعمال مجازات را منوط به وقوع نتیجه ندانسته و به لحاظ آثار سوء این جرم صرف انجام عمل را کافی برای تنبیه می‌داند. اصولاً زمانی که بحث از سوءنیت و قصد مجرمانه می‌کنیم در پی کنکاش وضعیت روانی مرتکب در زمان ارتکاب جرم هستیم در حالی که بحث از مطلق بودن و مقید بودن جرائم در حیطه‌ی عنصر مادی مطرح بوده و جرم مطلق جرمی است که نیاز به جزء سوم عنصر مادی ندارد و حوزه‌ی بررسی این دو امر از هم جداست.

نتیجه‌گیری

ارائه نظریه‌ای جهان‌شمول و فراگیر برای تبیین تروریسم، عملی دشوار است که تاکنون انجام نشده است. پدیده تروریسم، گاهی در سطح داخلی مطرح است و گاهی در سطح بین‌المللی. بر این اساس، تبیین تروریسم نیز متفاوت خواهد بود. تعاریف و برداشت‌ها از تروریسم نیز بسیار متغیر است و دامنه آن از قتل‌های سیاسی دولت‌ها تا ترورهای سازمان‌یافته سازمان‌های نظامی سیاسی در حال نوسان است؛ لذا به‌سختی می‌توان نظریه‌ای

ارائه کرد که بتواند به درستی همه آن‌ها را تحت پوشش قرار دهد. پدیده تروریسم، از جمله اموری است که امروزه به شدت حاکمیت کشورها، خصوصاً کشورهای غربی و اروپایی را به چالش فراخوانده است. این پدیده در پی نابودی یا ایجاد حداکثر خسارت به نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظم عمومی کشورهاست.

تاکنون این امکان وجود نداشته که اجماعی بر سر تعریف مفاهیم تروریسم، تروریست و سازمان‌های تروریستی از خلال کنوانسیون‌های بین‌المللی به وجود آید. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر باعث گردید تا اقدامات ضد تروریستی اتحادیه، شدت و سرعت بیشتری به خود بگیرد. در اتحادیه اروپا، وضعیت‌های مختلفی در ارتباط با قانون‌های مربوط به تروریسم و گروه‌های تروریستی در کشورهای عضو وجود دارد، برخی، مقررات خاصی در مورد تروریسم ندارند. در این کشورها تروریسم به عنوان جرمی عمومی انگاشته می‌شود. در برخی دیگر از کشورها، قوانین و ابزارهای قانونی خاص در ارتباط با مبارزه با تروریسم وجود دارد، به طوری که کلمه «تروریست» یا «تروریسم» در قوانین، بیان شده و برخی از جرائم تروریستی نیز تعریف شده‌اند. به هر طریق، در تحلیل پدیده تروریسم در ایران نمی‌توان تنها یک مؤلفه را برجسته کرد و عوامل دیگر را نادیده گرفت. تروریسم در ایران را باید به صورت چندلایه و طی چند مرحله تحلیل کرد. تروریسم پدیده‌ای است که در دوران جدید و هم‌زمان با شکل‌گیری معنای مدرن از دولت شکل گرفته است.

با توجه به اینکه گسترش مناسبات بشری و استفاده از تکنولوژی و دستاوردهای جدید، شیوه‌های نوین ارتکاب جرائم تروریستی از قبیل تروریسم فرهنگی، تروریسم سایبری و رسانه‌ای و ... را به دنبال آورده است، مقابله با آن‌ها نیازمند تجدیدنظر در عناوین کیفری سنتی و متناسب و همگام کردن سیاست کیفری با این پدیده‌های نوین مجرمانه می‌باشد. اعتقاد بر این است که مبارزه با تروریسم تنها در صورتی به بار خواهد نشست که حقوق الهی و انسانی مورد توجه قرار گیرد و هرگونه تعریفی از تروریسم بدون لحاظ این دو عامل، ناقص خواهد بود. علی‌رغم اینکه برخی‌ها معتقدند در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه مستقلی برای تروریسم پیش‌بینی نشده است، نگارنده بر این باور است که تحقیقات نشان داده است که همان‌گونه که جرائم سیاسی و جرائم اقتصادی در نظام حقوقی ایران به صورت کلی و مصداقی جرم‌انگاری شده‌اند، جرایم و اعمال تروریستی در نظام حقوقی ایران نیز همانند جرائم فوق‌به‌صورت کلی و مصداقی به شکل محاربه، افساد فی‌الارض، بغی و ... جرم‌انگاری شده‌اند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

قرآن کریم

نهج البلاغه

آشوری، داریوش (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی، چ دوم، تهران: مروارید.

ابراهیمی، جهانبخش (۱۳۸۳). سیری در حقوق بشر، تهران: انتشارات زوار.

اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹). حقوق جزای عمومی، چاپ اول، جلد ۱، تهران: نشر میزان.

اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۰). مفهوم جرم سیاسی در غرب، مجموعه مباحث همایش‌های هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، به کوشش حسین مهرپور، جلد ۱، تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.

استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ و بولوک، برنار (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی، ترجمه‌ی حسن دادبان، چاپ دوم، جلد ۱ (جرم و محاربه)، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

اسدی، رضا (۱۳۸۷). تروریسم، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.

افخم، راضیه (۱۳۸۸). «تروریسم در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

انیس، ابراهیم و دیگران (۱۴۱۰ق). المعجم الوسیط، جلد ۱، چاپ دوم، بیروت، دارالامواج.

بسیونی، محمد شریف و وتر، ادوارد (۱۳۸۰). «درآمدی بر درک جرم سازمان‌یافته و مظاهر فراملی آن»، ترجمه محمدابراهیم شمس ناتری، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۴، بهار، صص ۹۳-۱۴۰.

بورینه، ژاک (۱۳۸۲). «تجزیه و تحلیل اقتصادی تروریسم»، ترجمه علیرضا طیب، در: علیرضا طیب، تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، تهران: نشر نی.

بیرو، آلن (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.

پلینو، جک سی و آلتون، روی (۱۳۷۵). فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق: حسن پستا، تهران: فرهنگ معاصر.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۰). «حق کرامت انسانی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۷، زمستان، صص ۷۷-۹۸.

- سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال تروریسم در...
 دردریان، جیمز و دیگران (۱۳۸۲). **تروریسم**، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب، ترجمه وحید بزرگی و دیگران، تهران: نشر نی.
 راپرپوت، دیوید. سی (۱۳۷۸). **گزیده مقالات سیاسی، امنیتی، جلد اول**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
 سلیمی، صادق (۱۳۸۲). **جنایات سازمان یافته فراملی**، تهران: انتشارات تهران صدا.
 سواری، حسن (۱۳۸۲). «مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین الملل خطرات و فرصت‌ها»، **مجله حقوقی بین المللی**، شماره بیست و نهم، پاییز و زمستان، صص ۳۸۲-۳۳۱.
 شایگان، فریده و دیگران (۱۳۸۲). **تقویت همکاری‌های بین المللی در زمینه حقوق بشر**، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
 شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۸۵). **حقوق کیفری بین المللی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل.
 شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۸۱). **تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل**، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضائی و دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری.
 شکری، جهانشاه (۱۳۹۶). **تشدید ضرورت‌های جرم انگاری مستقل تروریسم در حقوق کیفری ایران**، تهران: یادداشت خبرگزاری ایسنا.
 شمس ناتری، محمدابراهیم و اسلامی، داود (۱۳۹۴). «ماهیت کیفری تأمین مالی تروریسم»، **مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران**، دوره ۲، شماره ۴ و ۵، زمستان، صص ۲۸۶-۲۵۷.
 شهید ثانی، العاملی الجبعی، زین‌الدین بن علی (۱۳۷۱). **الروضه البهیه فی الشرح اللمعه الدمشقیه**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 صدیقی، سید محمد (۱۳۸۰). **دادرسی در ترجمه لمعه**، چاپ چهاردهم، کاشان: انتشارات اندیشه‌های حقوقی.
 طیب، علیرضا (۱۳۸۰). «تروریسم در فراز و فرود تاریخ»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۲۱، پاییز، صص ۶۷-۵۳.
 عطاردی قوچانی، عزیزالله (۱۴۱۳ق). **مسندالرضا**، بیروت: دارالصوه.
 گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۲). **محشای قانون مجازات اسلامی**، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
 محتشمی، محمدرضا (۱۳۷۸). «ترور، تروریسم ریشه‌ها، ابقا»، **روزنامه خرداد**، شماره ۲۲۰.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۱). «مبانی فلسفی اصول حقوق بشر جهانی»، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی: بررسی مسائل حقوق بین‌الملل بشر، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

محمودی جانکی، محمود (۱۳۷۶). «امنیت و ناامنی از دیدگاه سیاست جنایی»، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۸، صص ۱۹۶-۱۶۷.

منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۴). سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با حقوق بشر در اسلام، تهران: انتشارات تابان.

موریس، فلوری (۱۳۸۲). «حقوق بین‌الملل: ابزاری برای مبارزه با تروریسم»، ترجمه سید قاسم زمانی، در: علیرضا طیب (گردآوری و ویرایش)، تروریسم تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، تهران: نشر نی.

موسوی خمینی، امام روح اله (۱۴۰۴ق). تحریر الوسیله، قم: موسسه النشر الاسلامی. میر محمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، چاپ ۲۴، تهران: میزان.

نجفی ابراندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۵). دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.

واعظی، حسن (۱۳۸۰). تروریسم: ریشه‌یابی تروریسم و اهداف آمریکا از لشکرکشی به جهان اسلام، تهران: سروش.

هادویان، غلامحسین (۱۳۸۲). «مفهوم تروریسم و موضع حقوق اسلامی نسبت به آن»، فصلنامه مصباح، شماره ۴۵، بهار.

ب) منابع انگلیسی

Mclean, Iain (1996). **Concise Dictionary of Politics**, New York: Oxford University Press.

Plano, Jack C. & Olton, Roy (1998). **The International Relations Dictionary**, USA: Longman.

Robertson, David (1993). **A Dictionary of Modern Politics**, London: British Library Cataloguing.

Sandro, Calvani (2002). **Threat to Human Security: Terrorism, Organized Crime and Drugs in Asia**, Presentation at the United Nations Inter-Agency Security network Group Meeting Bangkok, 9 March.

Satyendra, Kush (2009). **Dictionary of Political Science**, New Delhi: K.S. .

- Shelley, Louise (2003). **Organized Crime, Terrorism and Cybercrime**, at: <http://www.american.edu/traccc/publications/shelley>.
- Viktor, Luneev (2002). **High-Impact Terrorism, Organized crime and Terrorism**, Translated from the Russian by Kelly Robbins, <http://books.nap.edu/catalog/10301.html>, 2002.
- Weinberg, Lenard & pedahzur, Ami (2003). **Political Parties and Terrorist Groups**, New York and London: Routledge.

